



مطوع و افول جمهوری قره باتاق

تأليف:

دكتور سورالدين ممددلى

ترجمة:

مهندس اسفنديار سپهري نيا



تəhrizidə
Dörd Hafta

Təhrizidə
Asfendiyar Səpəhrini
Nia



ISBN: 978-964-8546-84-2



9789648546842

Yazar:
Dr.Surəddin Məmmədli

Köçürən:
En.Səfəndiyar Səpəhriniyi



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تقدیم به:

جامعه قره پاپاق به ویژه مردم غیور و شرافتمند سولدوز.

به یاد:

کلیه درگذشتگان ایل سرافراز قره پاپاق

تجزیه بورچالو

(نتیجۀ تلخ حاصل از جنگ ۱۹۱۸ ارمنستان - گرجستان)

طلع و افول جمهوری قره پایاق

: نوشتۀ

دکتر شورالدین ممدلی

: ترجمۀ

مهندس اسفندیار سپهری‌نیا

سرشناسه : قره پاپق، شورالدین، ۱۹۵۶-۵
 سرشناسه : Qarapapaq, S(suraddin) :
 عنوان و پیداوار : تجزیه بورچالو(نتیجه تلغ ماضل از هنگ ۱۹۱۸ ارمنستان-گرجستان)/
 نویسنده شورالدین ممدل؛ ترجمه اسفندیار سپهری‌نیا.
 مشخصات نشر : ازومیه: یاز، ۷۳۸۸
 مشخصات ظاهری : ۱۳۶۶ ام
 شابک : ISBN:978-964-8546-84-2
 وضعيت فهرستنويسي : فبيا
 موضوع : بورچالو، منطقه—تاریخ.
 شناسه افزواده : سپهری‌نیا، اسفندیار، ۱۳۴۶.
 دهندگانگره : DK ۶۹۹/۹۷۹۱۳۸۷
 ۹۴۷/۵۴ : دهندگانگره
 شماره کتابشناس مل : ۱۱۹۸۰۷۵



نام کتاب : تجزیه بورچالو
 تألیف : دکتر شورالدین ممدل
 مترجم : مهندس اسفندیار سپهری‌نیا ۱۳۴۰-۱۳۵۴
 E-mail:Sfandyar_sepehri@yahoo.com
 نوبت و تاریخ چاپ : چاپ اول ۱۳۸۸
 ناشر: انتشارات یاز
 چاپ: ازومیه
 تیراز: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ و مخصوص مترجم است.

ISBN:978-964-8546-84-2 * شابک: ۲-۸۵۴۶-۸۴۶۹۷-۹۷۸-۹۶۴-

اوامديه خيابان مدنی ۱، کوی ۱۶ پلاک ۱۰۳ انتشارات یاز.تلفکس: ۰۲۷۶۱۴۲۹۵-۱۴۱۶۰

E-mail:Yaznashr @ yahoo.com

www.Yaznashr.blogfa.com

۰۹۱۴۳۴۰۵۳۹۹

فهرست مطالب

۶	سخن مترجم
۹	چکیده کتاب
۱۰	بورچالو قلعه غلبه ناپذیر من
۱۵	سخن اول
۱۸	نبرد خاک ارمنیها و گرجیها در بورچالو
۱۹	بورچالو در دایره المعارف جمهوری آذربایجان
۲۳	محدوده مرزی بورچالو
۲۵	جمعیت بورچالو
۴۰	نامه وزیر امور خارجه آذربایجان به وزیر امور خارجه گرجستان
۴۲	پاسخ وزیر امور خارجه گرجستان
۵۳	گزیده‌ای از مطالب مطبوعات آن زمان
۶۸	گزیده‌ای از مطالب مطبوعات
۷۶	تفاضانامه
۸۸	گزیده‌ای از گزارش کمیته ویژه تحقیق
۱۰۴	بورچالوی تجزیه شده
۱۰۹	گزیده‌ای از کتاب ژ. کانووسکی
۱۱۸	برگی از صفحات کتاب پیچیده تاریخ
۱۲۶	ضمیمه
۱۲۸	منابع
۱۲۹	پیوست‌ها
۱۳۶	بیوگرافی مؤلف

به نام حقیقت همیشه جاوید

لحظات تاریخ را می‌سازند و تاریخ گذشته انسانها را به آینده ربط
می‌دهد، گذشته‌ای که حاوی اتفاقات و رویدادهای گوار و ناگواری
است که به دست خود انسان خلق می‌شود.

هر سرزمین و هر ملت برای خود تاریخی دارد که غور در آن
موجب کشف حقایق تازه‌ای می‌گردد. آذربایجان به بلندای خلقوش
تاریخ بسیار عمیقی دارد که هر لایه از لایه‌های آن خود حدیث دیگری
را به خواننده تبیین می‌نماید. حدیث فداکاریها، رشادتها، شجاعتها،
حق طلبی‌ها و دشمن‌ستیزیها. حدیث زورگویی‌ها، زورمداریها، قتل و

تجزیه بورچالو ۷

غارهات، تجاوز و چپاول و یغماگری صاحبان زور و زر و تزویر.
سراسر آذربایجان پر است از اتفاقات و رخدادهای غریب و ماندگار.
کتابی که به خوانندگان گرامی تقدیم می‌گردد روایت تاریخی در قالب
اسناد و مستندات غیر قابل انکار یک گوشه از سرزمین بزرگ آذربایجان
می‌باشد.

منطقه‌ای بنام بورچالو که محل سکونت اولین بشر ترک زبان بوده
است. منطقه‌ای که به علت آب و خاک فراوان و حاصلخیزش، معادن
و ظرفیت‌های طبیعی آن، موقعیت خاص استراتژیکی و ژئوپلیتیکی آن
و منابع و منافع خدادادی آن، دشمن قدار را وادر به تصرف و غصب
عدوانی آن نمود. بورچالو این منطقه زرخیز واقع شده بین گرجستان و
آذربایجان که محل سکونت قاراپاپاها صاحبان اصلی آن منطقه بوده و
خواهد بود، توسط ارمنی‌های داشناک در یک جنگ نابرابر مورد تجزیه
قرار گرفت و بخش اعظم آن مورد تصرف آنان واقع گردید. این کتاب
نگاهی روشنفکرانه و تاریخی، علمی و نقادانه به نحوه تجزیه بورچالو
دارد. منطقه‌ای که به گواه تاریخ اولین جمهوری ترکها تحت عنوان
جمهوری قاراپاپاک در آن سرزمین پایه‌گذاری و تأسیس گردید.

۸ تجزیهٔ بورچالو

نویسنده این کتاب دکتر شورالدین مدلی، محقق، روزنامه نگار و استاد علم زبانشناسی در آذربایجان و گرجستان می‌باشد. ایشان هم اینک علاوه بر سمت آکادمیکی از مدیران و اعضای فعال فصلنامه علمی تحقیقی «قاراپاپاقلار» چاپ گرجستان می‌باشد.

این اثر زوایای پنهان گوشه‌ای از تاریخ ایل بزرگ قاراپاپاقها را به تصویر می‌کشد و اینجانب بر خود وظیفه دانستم مطالب این اثر تاریخی را به دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی ترجمه و تقدیم جامعه نمایم.

در خاتمه جا دارد از پیشکسوت ایل قاراپاپاق، محقق و روزنامه نگار با سابقه و مخبر استان و منطقه سولدوز جناب آقای علی خلخالی که مشوق اصلی اینجانب در ترجمه این اثر بودند کمال تشکر و سپاسگزاری را به جای آورم.

سپهری نیا (سپهری)

چکیده کتاب

در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ میلادی در زمان حاکمیت جمهوری های سوسیالیستی، منطقه بورچالو به عنوان اراضی اختلاف برانگیز و در عین حال جنگی در بین سه کشور آذربایجان، گرجستان و ارمنستان محسوب می گردید. اوخر سال ۱۹۱۸ جنگ ارمنی - گرجی ها بر سر منطقه بورچالو در شرایطی پایان یافت که قسمت جنوبی بورچالو یعنی ناحیه «لورو» به عنوان منطقه بی طرف اعلام گردید. همزمان با تشکیل حکومت شوروی و در قالب تدابیر بین المللی ، ناحیه لورو- که در حال حاضر شامل بخش‌های نویمبریان ، تومنیان ، استپاناوان و تاشیر(کالینینتو) می باشد - و اراضی و پیرامون آنها به همراه سایر مناطق دیگر به ارمنستان الحاق گردید. شورالدین مدد لی روزنامه نگار اهل گرجستان دکترای علم زبان شناسی به کمک اسناد موجود در آرشیو و مراجعه به خاطرات و یادداشتهای ثبت شده در آن دوران و با اடکاء به سایر منابع و مأخذ در خصوص همین حوادث و اتفاقات، اقدام به تحریر و تأليف این کتاب نموده است.

مطالعه این کتاب را برای کلیه خوانندگان توصیه می نمایم.

آذربایجان ۱۹۹۱ (۴۲) B.B,K9C

بورچالو- قلعه غلبه ناپذیر من

منطقه بورچالو واقع در قفقاز جنوبی یکی از قدیمی ترین محلهای سکونت بشر می باشد . آباء و اجداد ما اولین ساکنین این سرزمین بوده اند. نام پدران ما با نام این خاک مبارک زنده است. واژه «بورچالو» برخلاف نظر بسیاری از محققین که ریشه آن را از «بوروچالا» (بورچالا) و «بوش چالا» می دانند، برگرفته از نام ترکان قاراپاپاق یعنی بارسلها و بوروچوقلوها (که شاخه‌ای از قاراپاپاق‌ها بوده‌اند) می باشد، که اولین ساکنین و صاحبان این سرزمین بوده‌اند، این قاراپاپاق در واقع همان قاراپاپاقی است که قبل از میلاد حضرت مسیح(ع) زندگی را در این خاک‌ها آغاز نموده و در تاریخ تحت عناوین «اوغوز» «قیچاق» (ترکمه) و «یوروک» که مالکان اولیه «آناتولی» بوده‌اند شناخته شده‌اند. بعدها در اواسط سده‌های پیشین با یورش سلجوقها به فرماندهی آل ارسلان قهرمان «مالازگیرت» به این مناطق، آنان با اهالی ساکن یعنی- بوروچوقلوها- انس و الفت برقرار نموده و به زیان آنها تکلم می نمودند، تا اینکه بعد‌ها با همدیگر مانوس شدند. ولی واقعیت این است که این خاک توسط صاحبان قدیمی آن و با مایه گذاشتن از شرف و حیثیت خود و با همان نام اصیل حراست گردیده است ولی برخی مورخین چشم‌شان را به حقیقت بسته، تاریخ و قدامت

سکونت ما را در این سرزمین به قرن دهم، یازدهم و یا هفدهم نسبت می‌دهند. هنوز به این موضوع مهم اشاره نکرده ایم که در بورچالو در کنار بوروچالوها، اقوام دیگری از ترکان نظیر ترکان بوغا، ترکان بسون، گوگرها (که گرجیها، قوقاری و ارمنی‌ها قوقراکی می‌گویند) نیز می‌زیسته‌اند و از آنجایی که ریشه همگی این اقوام از نژاد ترکان بوده‌اند لذا اینان نزد ترکان آذربایجان از جایگاه محکمی برخوردار می‌باشند.

با این همه آن مردمی که بورچالو را بورچالو کرده‌اند متأسفانه امروز در سرزمین مادری و آباء و اجدادی خود تحت فشار بوده و «میهمان» تلقی گردیده و در معرض تبعیض قرار می‌گیرند. اما توصیه «آشیق شنلیک» شاعر اهل «چیلدیر» این فرزند خلف بورچالو [در خصوص حفظ و حراست از بورچالو] به تک تک فرزندان این منطقه به منزله قوت قلب می‌باشد. از آنجایی که می‌گوید «تا زمانی که جان در بدن داریم خاک را به دشمن نخواهیم داد».

این دشمن کیست و از کجا آمده است؟ بورچالوها به خوبی از نحوه غلبه بر دشمن خارجی آگاهی دارند وای به روزی که دشمن در داخل باشد در آن صورت سرزمین مادری در آتش خواهد سوخت و مبارزه در چنین وضعیتی برای فرزندان وطن سخت خواهد شد.

بر این باورم که محقق جوان، شورالدین مدلی نیز آنچه را که من در طول عمر به آنها پی برده‌ام پی برده و بدین ترتیب در این عصر عشق و علاقه خویش به بورچالو را با تمام توان در مقابل دشمنانی که دیروز این منطقه را قطعه قطعه کرده و امروز سعی دارند نام بورچالو را از نقشه‌های جغرافیایی حذف نمایند، به خوبی این نموده است.

شورالدین مدلی طبیعی است که جوان می‌باشد ایشان آن پیرزنان و پیر مردان را که من از صحبت‌های شیرین آنان درس آموخته ام ندیده است. مطابق آنچه پیرمردان و پیرزنان می‌گویند، قبل‌اً سه بورچالو وجود داشته است: بورچالو آران یا دشت، بورچالو باغ، بورچالو کوه. بورچالو آران شامل «ساروان» (حوالی ساروان)، دشت «یاغلیجا»، «چاغداش» کوچک و روستای «مغانلو» بوده است. بورچالو باغ از «موغانلوی» کوچک شروع می‌شدو شامل «ایکاترینن فلد» (بولنیسی فعلی) مرکز آن «کووج» و پیرامون آن تا انتهای «دومانیسی» کوچک بوده است. بورچالوی کوه نیز شامل «دومانیسی» کوچک «باش کئچید» و پیرامون آن تا آناتولی شرقی بود.

از سال بیستم به این طرف در نتیجه اقدامات ارتش داشناک و ارتش سرخ بزرگترین بخش از بورچالو کوه را از دست دادیم. آخرین هموطنان ما از آن سرزمین‌ها کوچیدند و هم اکنون در «باش کئچید» سکنی گزیده‌اند. اهالی روستاهای باش کئچید شامل « ساعاتلی»

«موغانلی»، «سالام ملیک» با حمایت کارفرمایان رشوه خواری که در آذربایجان مستقر بودند زادگاه و سرزمین مادری خود را ترک نموده و به آذربایجان مهاجرت کردند. درود بر اهالی روستای «بئرغان چای» که در آن سرزمین ماندند تنها آنان بودند که سینه خود را در برابر تمامی ناحقی‌ها و ناملایمات سپر قرار دادند.

گرجی‌ها باید بدانند که این اهالی «بئرغان چای» و در کل «بورچالو»‌ها بودند که مرز جنوبی گرجستان را در مقابل تجاوز ارمنیها پاسداری نمودند و اکنون هم خود آنان [گرجی‌ها] محافظت می‌نمایند. جای تعجب است که گروه‌های دژخیم و جلال استالین - بی‌ریا عاملان تبعید ما ترکان از مسخط - جاواخت و انتقال دهنگان انبوه ارمنیها به آن خاکها در سال ۱۹۴۴ (از طریق میکویانها) بودند ولی بر این باور نبودند که این اشتباهات بزرگ آنها روزی برای ملت گرجستان گران تمام خواهد شد.

ارمنیها با اینکه می‌دانند همین خاکها متعلق به گرجستان می‌باشد ولی در عین حال خاکهای خویش قلمداد می‌نمایند. این پروسه از اوایل قرن بیستم در بورچالو شروع گردید و گرجیها دیر یا زود بایستی بدانند که خروج ما از بورچالو به معنی ورود و تصرف آن خاکها توسط ارمنیها خواهد بود. گرجیها فراموش نخواهند کرد که طبق اسناد تاریخی این بورچالوها بودند که این سرزمینها را در برابر اشغال

۱۴ تجزیه بورچالو

کنندگان، محافظت و پاسداری نمودند و امروز نیز آماده‌اند این وظیفه شرافتمدانه را بر عهده بگیرند. همچنین بر این امر یقین دارم که هدف شورالدین از تألیف این کتاب بیدار نمودن دوباره حافظه تلخ و سنگین تاریخ و از سوی دیگر متوجه نمودن هموطنان ما در سراسر دنیا نسبت به سرزمین آباء و اجدادی خود یعنی «بورچالو» می‌باشد.

خوانندگان باریک بین احساس خواهند کرد که این اثر، یک اثر علمی تحقیقی و یا یک اثر برجسته هنری زیبای بی مدعایی باشد که با هدفی خیر خواهانه و با عشق عمیق به سرزمین مادری به رشته تحریر درآمده است.

باید به دور از هر گونه ادعایی این کتاب را بخوانیم، باید به جاوید ماندن وجود و موجودیت بورچالو این سرزمین مادریمان در حافظه‌ها خوشنود باشیم. باید به خاطر وارد شدن بورچالو به زندگیمان خشنود باشیم.

« Abbas Abdallah »

سخن اول

نوهلرین دوشوب دارا هایدی قوچ کوراوغلو هایدی بورچالو منطقه‌ای است در جنوب تفلیس. این منطقه با تفلیس، قازاخ و آخال کلک دارای مرز مشترک می‌باشد، می‌توان گفت که بورچالو به لحاظ وسعت در بین تمامی مناطق استان تفلیس ، رتبه دوم را دارا می‌باشد. این منطقه به چهار ناحیه تقسیم می‌شود که عبارتند از: «لورو» «بورچالو» «تری آلت» و «ایکاترین فلد» نواحی «لورو» و «تری آلت» از نظر وسعت و جمعیت به ترتیب رتبه‌های اول و دوم را از آن خود نموده اند و ناحیه «ایکاترین فلد» از هر دو نظر (جمعیت و وسعت) در رتبه پایین تری قرار دارد.

ما مطلب فوق را به نقل از مقاله «ایلیا چاو چاواذه » روزنامه نگار و جامعه شناس بزرگ که حدود یکصد سال پیش در روزنامه «ایوریا» یا (Everiya) به تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۸۹۰ میلادی تحت عنوان «بورچالو مازرا» (منطقه بورچالو) چاپ شده بود آورده ایم. چنانچه مشاهده می‌گردد در این مقاله وضعیت جغرافیایی بورچالو به تصویر کشیده شده و ناحیه بورچالو مذکور حدوداً مارنیلی فعلی، ناحیه ایکاترین فلد، بولنیسی فعلی (باش کئچید) و زالقا را احاطه می‌نمود. همگی این مناطق در جای خود قرار دارند، جز ناحیه لورو. پس این

۱۶ تجزیه بورچالو

ناحیه در کجاست؟ چه بلایی بر سر «لورو» ناحیه‌ای که از نظر جمعیت و وسعت در رتبه نخست نسبت به سایر مناطق قرار دارد آمده است؟ در حال حاضر همین ناحیه لورو به برخی اراضی ارمنستان یعنی بخش‌های تومانیان، نویمبریان، استپاناوان و تاشیر فعلی (که اخیراً به کالینینو تغییر نام یافته است) اطلاق می‌گردد. در واقع می‌توان گفت که تمامی این اراضی متعلق به بورچالو بوده است.

پس چه عاملی موجب تجزیه شدن بورچالو گردیده است؟ چه زمانی، چرا و توسط چه کسانی نیمی از سرزمین بورچالو به ارمنستان واگذار گردیده است؟

این سؤالات، البته، تفکر برانگیز و جالب توجه می‌باشد و مسلماً حل این پرسشها برای همه مردم از دید تاریخی و عدالت تاریخی بسیار مهم می‌باشد.

... ما در یکی از روستاهای زیبا و چشم نواز بورچالو در آغوش طبیعت، کنار چشمه‌ای جوشان مجلس خودمانی ترتیب داده بودیم. در این جمع، روشنفکرانی از آذربایجان و گرجستان نشسته بودند، پس از احوالپرسی و گفتگوهای خودمانی حرفهایی در زمینه سیاسی به میان آمد. شاعر، نظامی ساراجلی رویه گرجیهای حاضر در مجلس نمود و خاطر نشان کرد «ناحیه‌ای بنام لورو مشهور می‌باشد و در حال حاضر تحت نامهای نویمبریان، تومانیان، استپاناوان و کالینینو به عنوان یک

بخش در ترکیب اراضی ارمنستان به شمار می آیند . این مناطق تا زمان حکومت شوروی متعلق به منطقه بورچالو بوده است» به خوبی به یاد دارم چنین سخنی به زبان آورد که : «اگر نمی توانید بورچالو را حراست نمائید، پس اجازه بدهید ما خودمان از آن پاسداری کنیم». هر چند به ظاهر این مطلب موجب آزردگی دوستان گرجی نگردید ولی آنان با یک نگاه جدی ، مسائلی را مطرح نمودند. در اواخر سال ۱۹۲۰ همسایگان مکار ما با توسل به زورو با استفاده از وضعیت عمومی آشفته، مناطق «زنگه زور» «گویجه» و همینطور بخشی از بورچالو را تصاحب نمودند. اکنون نیز با دل بستن به هرج و مرج موجود ، چشم طمع به «قاراباغ کوه» را دارند.

... اظهارات دو تن از اهالی اصیل بورچالو به نامهای «ویس خودی یف» و «واحد موسی یف» که در «سومقاییت» دارای مسئولیت می باشند، جالب توجه است:

- ویس خودی یف: نظیر آنچه که در داستان «ملک محمد» جان دیو در دست پرنده محبوس در قفس بود، تمامی فکر و ذکر ما را نیز بورچالو به خود مشغول نموده است. به طوری که هر زمان بورچالو، شاد و مسرور باشد ما نیز شاد و خرسندیم و هر زمان که دچار درد و حرمان می گردد ما نیز غرق دریای غم و ماتم می شویم.

- واحد موسی یف: در این اواخر به روستا رفته بودم یکی از ریش سفیدان ایل با سوزو گداز عمیقی در خصوص نحوه آواره شدن آذربایجانی ها از روستای همسایه یعنی لمبه لی سخن گفت و اظهار داشت که: از محدوده آن روستا تا جلال اوغلو و گومرو متعلق به گرجستان گردیده است . این صحبتها هنوز هم مرا تحت تاثیر قرار داده است. آخر چه شده که آن خاکها [بعداً] از گرجستان بازپس گرفته شده اند ؟ از اینرو نیازمند کالبد شکافی این واقعیت می باشیم... مطالبی که ذکر شد سرنخی جهت تالیف این کتاب گردید.

نبرد خاک ارمنی ها و گرجی ها در بورچالو و ...

غورو ائیله یسر درین یارا
هویدو قوج کورا اوغلو هویدو
قبل از شروع بحث بایستی قید نمود سرزمینی که از آن تحت عنوان ، بورچالو یاد می کنیم. حقیقتاً تاریخ دقیق این سرزمین مقدس ، پهناور و پاک مشخص نیست. ولی به دو نمونه اشاره می کنیم:
از دایره المعارف جمهوری گرجستان (ترجمه شده از زبان گرجی): «بورچالو منطقه ای است تاریخی در کارتلی (Kartly) سفلی به نظر می رسد این نام از عنوان طایفه ترکمنی بورچالو که در اوایل قرن هفدهم به سرزمین دبد (Debed) کوچ کرده بودند گرفته شده است. در سال ۱۶۰۴ که شاه عباس اول پادشاه ایران همزمان با

حکومت بر کارتلی و سایر سرزمینها ، سرزمین دبد را متصرف نمود، این منطقه بعد ها به عنوان یک واحد سیاسی مستقل درآمد. در دوره زمانی معین حکومت ایلخانی بورچالو، منطقه پمبه که «استرابون» عمدتاً «قوقارن» یاد کرده و ارمنی ها «قوقارک» می گفتند، در حال حاضر به برخی از بخشهای متعلق به ارمنستان گفته می شود. (ش.م) را در بر می گرفت...

حکومت خانخانی یا حاکمیت ایلخانی در کارتلی به صورت مطلق از حکومت تزار تعیت نمود و نقش حامی ایران در تجاوز این کشور را بازی می نمود. در سال پنجاهام قرن هجدهم «تیمور آزاد» شاه اول، ایلخانی بورچالو را تحت حاکمیت خویش درآورد. در سال ۱۷۶۵ ایراکلی دوم آن را به حالت انتظامی درآورد. پس از اتحاد با روسیه، بورچالو منفك و وارد ترکیب منطقه تفلیس گردید. در سال ۱۸۸۰ در ترکیب استان تفلیس، شهرستان بورچالو تشکیل گردید.

بورچالو در دایره المعارف جمهوری آذربایجان

بورچالو یک منطقه تاریخی است. سرزمین بورچالو منطقه ای است که در جنوب شرقی جمهوری سوسیالیستی گرجستان و شمال غربی جمهوری سوسیالیستی ارمنستان قرار گرفته و اساساً کوهستانی بوده و یک سوم آنرا دشت هموار (جلگه) تشکیل می دهد . در اوایل

سدۀ‌های میانی، طوایف ترک زیان و در قرون شانزدهم و هفدهم نیز آذربایجانیها به صورت دسته‌جمعی به بورچالو مهاجرت کرده‌اند. به علت وجود مراعع، علفزارهای وسیع بیلاقی و قشلاقی در بورچالو، دامداری، زراعت، جالیزکاری، باگبانی و نوغانداری توسعه یافته بود. با اینکه منطقه بورچالو بوسیله فئودالهای آذربایجان و بعض‌اً گرجستان تصاحب می‌گردید ولی اغلب زمانها، استقلال خود را حفظ می‌نمود، در اوایل قرن هجدهم، منطقه بورچالو در ترکیب ییگلرییگی گنجه قرار داشت. در سال ۱۷۳۶ به علت شورش ییگلرییگی زیاد اوغلو در مغان بر علیه نادر شاه پس از اعلام وی به عنوان پادشاه ایران، نادرشاه سرزمین بورچالو را همراه با قازاخ از دست ییگلرییگی گرفت و به تابعیت کارتلی - کاختی تزارها درآورد. در اواسط قرن هجدهم پس از پیدایش حاکمیت ارباب- رعیتی (ایلخانی) در آذربایجان، بورچالو مرکز سلطنت اعلام گردید و در اواسط قرن نوزدهم سرزمین بورچالو به شهرستان تبدیل گردید ... در سال ۱۹۲۹، عنوان شهرستان لغو و به سه بخش تقسیم گردید بخش بورچالو، بخش «لوکسمبورگ» (بولنیسی) و بخش «باش کنچید» (دما نیسی).

صرف نظر از اینکه مستندات موجود در این دو متن تا چه حد با همدیگر همخوانی دارند یا ندارند نیازمند بررسی همه‌جانبه، ریشه‌ای،

صحیح و واقعی در خصوص تاریخ و گذشته این سرزمین بزرگ می‌باشد.

در صورت مطالعه یقیناً پی خواهیم بردا که در مورد سابقه سکونت اقوام ترک در اراضی که جزء گرجستان امروزی می‌باشد، منابع بسیار موثق وجود دارد که حاکی از مشارکت ترکان در جنگ خونین علیه اعراب به همراه گرجیها در سال ۷۶۵ در منطقه شرق گرجستان می‌باشد که در قرون یازده و سیزده منطقه فوق (شرق تورکلوك) به زبان گرجی به نام «دیدی تورک اویا» یا «بویوسک دیگری نیز موجود می‌باشد نظیر «کارتلیس - سخوربرا» - «حیات گرجستان» و ...) از سویی شهرت و ناموری «حوبیش تفلیسی» از علمای هم وطن ما که در قرن یازدهم می‌زیسته است، خود دلیل بسیار قاطعی بر قدیمی بودن و مسلمان نشین بودن منطقه تفلیس می‌باشد. در کتاب «نگاهی به تاریخ ۱۸۰۰ ساله تیره کور- آراز» از طوایف قاراپاپاق (بورچالو و فازاخ) اثر دانشمند تورک، «م. کرزی اوغلو» در سال ۱۹۷۱ این معلومات نیز یادآوری می‌گردد: «هر دو دسته بورچالوها و فازاخ‌ها از قبیله قپچاق‌ها (کومان- خزر) به شمار می‌آیند ...»

سکونت این دو قوم جوان سواره مهاجر در امتداد رودخانه های بورچالو - قازاخ در اواخر قرن دوازدهم و در سال ۱۰۶۴ مشرف شدن آنان به دین اسلام در حضور آل ارسلان پادشاه سلجوقیان و نیز تکلسم به لهجه قاراقالپاخ - قازاخ در ترکستان از درجه اهمیت بسیار بالایی بر خوردار می باشند. خلاصه کلام، ترکانی که در عصر های میانی به بورچالو وارد شده اند به منظور خرسند نمودن هم وطنان خویش به آن منطقه آمده اند ، آیا می توان انکار کرد که مناطق مسکونی «بولچالی» و «بورچکا» در ترکیه یا در بخش «خانلار» آذربایجان، یا وجود روستای «بولچالی» در حوالی گنجه ، همینطور اسامی تمامی روستاهای در بورچالو و یا مشابه آنها در آذربایجان جنوبی و شمالی و ترکیه به تنهایی بیانگر نزدیکی و قرابت این مناطق از نظر توپونومیک می باشد؟ نه، به هیچ وجه چرا که خویشاوندی و قرابت این اقوام حقیقتی غیر قابل انکار می باشد.

قبل از پرداختن به تاریخ اخیر بایستی اشاره نمود که در اوایل قرن ۱۹ به بورچالو اختصاصاً مقام «دیستانسیای تاتار» اعطاء شده بود . در ۲۵ مارس ۱۸۷۷ همراه با اراضی «دیستانسیای بورچالو»، مناطق انتظامی «تری آلت» و «لورو» از توابع شهرستان تقلیس متعدد گردیدند و سپس ناحیه انضباطی واحد «شولهور» در اراضی انضباطی مستقل

پدید آمد . در ۶ مه سال ۱۸۸۰ بر اساس تاحیه انضباطی واحد شولهور، شهرستان بورچالو در ترکیب استان تفليس پدید آمد و در خاکهای « دیستا نسیای » سابق بورچالو هم منطقه انتظامی بورچالو تشکیل گردید . در همین زمان ، مساحت اراضی منطقه بالغ بر ۱۱۹۶ مایل مربع به عبارت دیگر ۵۴۱۷۲ ورست مربع یا $57844 \text{ کیلومتر مربع}$ بود . موقعیت جغرافیایی منطقه بورچالو بدین ترتیب بود از شمال با « قوری » از شرق با « تفليس و قازاخ » از سمت جنوب و جنوب شرقی با « گومرو » از غرب با شهرستانهای « آخال کلک و قوری » هم مرز بوده است و شمالی ترین نقطه منطقه بورچالو کوه « جم - جم » از سلسله جبال « ارجیوان و یا تری آلیت » بود .

محدوده مرزی بورچالو :

در محدوده مرزی منطقه بورچالو پس از گذر از کوه « کومه داغ »، کارخانه استحصال مس معدنی نمایان می گردد . خط مرزی پس از پشت سر گذاشتن رودخانه دبد (Debed) و کوههای « کرهنگ » و « بوزآبدال » تا کوههای « چوبوخلو » و « آغلاغان » امتداد یافته در قله کوه « آغلاغان » به سمت شمال ، سپس شمال غرب می پیچید و در نهایت درست در مقابل کوههای « مکریچ » و « قارآآگاج » متوقف می شود .

یکی از دوستان صمیمی «ایلیا چاو چاو ادze» بنام «ای آپخازی» ریاست منطقه مذکور را به مدت طولانی بر عهده داشته است. مردانی چون «قاچاق نبی» «قاچاق سلیمان» «صمد بیگ بورچالو» «هالای مورسا قولوف» و رادمردان دیگر در این سرزمین ها به نام خلق هنر نمایی کرده اند.

سخنور ایالت آ.م. آرگوتینسکی - دولقوروکوف در خصوص موقعیت اقتصادی ، تجاری ، اجتماعی، و جغرافیایی منطقه بورچالو در کتاب خویش تحت عنوان «نگاهی به موقعیت اقتصادی ، اجتماعی، جغرافیایی بورچالو» اطلاعات مهمی در اختیار می گذارد. بنا به شهادت وی، وجود رودخانه های «خرام» ، «دبد» (بورچالا) و «آل گث» این امکان را می داد تا از زمینهای زراعی منطقه ، محصولات متعددی نظیر انگور و میوه های متنوع دیگر ، توتون ، جو ، گندم و برنج برداشت شود ، هنداونه مصرفی و مورد نیاز استان تفلیس در سایه وجود باغات و اراضی جالیزی این منطقه تامین می گردید. همچنین بورچالو از نظر دارا بودن معادن طبیعی طلا، نقره، آهن، سرب، منگنز، زغال سنگ، فلز آهن، سنگ مرمر، سنگ ساختمان و ... مشهور و معروف بود.

جمهیت بورچالو:

بر اساس سرشماری سال ۱۸۷۶ در منطقه بورچالو ۳۴۷۷ نفر آذربایجانی ساکن بودند. بزرگترین روستاهای منطقه که محل سکونت آذربایجانی ها بودند عبارت از: ساروان با ۳۲۹ خانوار، قیزیل حساجی با ۲۷۴ خانوار، گورآرخی با ۲۷۰ خانوار، ساداخلی با ۱۹۱ خانوار، شاخراطی با ۱۷۰ خانوار، بولنیس - کپنک چی با ۱۶۹ خانوار، ساراچلی با ۱۱۱ خانوار، آریخانی با ۱۳۷ خانوار، فاچاغان با ۱۱۷ خانوار مجموعاً حدود ۴۸۷ خانوار آذربایجانی در منطقه ساکن بوده‌اند.

یادآوری: مدرکی معتبر چاپ شده در روزنامه «نووویس» ابوزرنیه شماره های ۱۵ و ۲۴ به سال ۱۸۹۸: یکی از اینبارهای نخست و تبرچوبی در تفلیس، بنام بورچالو نامیده شده بود.

مورخ مشهور گرجی به نام ایوان جواخیش ویلسی مسی نویسنده: قوقارنا و یا قوقارت از توابع استرا بون قسمت جنوبی منطقه بورچالو فعلی را شامل می شد. یعنی حدوداً بخشهای جنوب آبوز و تری آلت، بولنیس - دمانیسی، دره لوك، تا شیر و جوجکن را احاطه می نمود. همچنین شهر لورو نیز وجود داشته است. این همان لورو است که در سال ۱۲۳۶ توسط مونگول ها از بین رفت، در قرون چهارده- پانزده از سوی قشونهای ایران و عثمانی مورد هجوم و تعرض قرار گرفته است. این همان لورو می باشد که در زمان امپراتوری روسیه،

یکی از شهرستانها (واحد انضباطی - اراضی) که در ترکیب استان تفلیس قرار داشت، به این نام نامگذاری گردیده است. همین لورو مناطق کارتلی سفلی، شمش الدین، قازاخ، بورچالو و پمبه‌ی را نیز احاطه می‌نمود.

این همان لوروست که در سال ۱۸۸۰ در ترکیب منطقه بورچالو، به عنوان ناحیه شناخته می‌شد و الان حدود هفتاد سال می‌باشد که لورو از بورچالو دور مانده است.

واقعیت این است که نیت به دست گرفتن «لورو» پدیده امروز نمی‌باشد.

قسمتهایی از کتاب «داشلارین فریادی» (فریاد سنگها) اثر مشهور ایلیا چاوچاواردزه در سال ۱۸۷۷ ترجمه سلیمان سلیمانی: «آقدامات دانشمندان ارمنی و طرفداران مفتری آنان اعمالی است کهنه، چرا که از آن زمان تا حال ۶۰ سال بلکه بیشتر می‌گذرد. وقتی که ۶۰ سال می‌گوییم، آنقدرها هم مدت کمی نمی‌باشد که به حساب نیاوریم. بلی درست ۶۰ سال می‌باشد که بالای سرمان، رعد و برق می‌غرد، طوفان به پا می‌شود و بدین منوال آنان لحظه‌ای از تهاجم و حمله علیه شخصیت ما غفلت نمی‌کنند، روز به روز با گستاخی و جسارت و بی‌ادبی هر چه تمامتر و بی‌شرمانه، به دنبال پوست کنندن ما بوده و ما را از طریق تهدید به نابودی می‌ترسانند.

٢٧ تجهیزه بورجالو

	<p>معاین این باره را خواهید پیدا کرد. مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند.</p>	<p>با مسکن موقتی که برای این دسته از مردم مناسب است، افرادی که کمتر از ۲۰ سال داشتند و از این سن پیر شدند، ممکن است که آنها از مسکن موقتی برخوبی کمتر استفاده کنند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند.</p>
امدادگاری اسلام	<p>از این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند.</p>	<p>با مسکن موقتی که برای این دسته از مردم مناسب است، افرادی که کمتر از ۲۰ سال داشتند و از این سن پیر شدند، ممکن است که آنها از مسکن موقتی برخوبی کمتر استفاده کنند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند. این باره همچنان که مسکن موقتی است که بپوشانند در زمانی که قدرتی برای خود نداشته باشند.</p>

تصویر ۱- مقاله‌ای با عنوان «حریم بورچالو» که به صدد سال پیش در روزنامه ایونریا (Everia) چاپ شده بود.

از آن تاریخ تا به امروز علمای ارمنی با تمام توان و با صرف تمام انرژی خویش سعی می‌نمایند که گرجستان را به کل دنیا، زشت جلوه دهند تا آنجا که بتوانند اراضی بیشتری از گرجستان را غصب نمایند و به خود الحق نمایند. گذشته و تاریخ گرجستان را محو و نابود کنند و حتی وضعیت امروز آنرا نیز لکه‌دار نمایند. به عنوان مثال همگان می‌دانند که حوضه رودخانه «چوروخی» از قدیم‌الایام بخشی از «کارتلی علیا» بوده است که بعدها همین حوضه «سامت سیخه- ساعاتاباقو» را تشکیل می‌داد. ولی نویسنده‌گان ارمنی (امین، خوداباشوف و اریستوف) ادعا می‌نمایند که آن اراضی یعنی بخش بالایی رودخانه «کور» (کورچایی) و حوضه رودخانه «چوروخی» در ترکیب ارمنستان بزرگ داخل شده است. در عین حال تنها یک وجب خاک برای ما در نظر می‌گیرند. علاوه بر آن در دهه اول قرن معاصر، مسئله انتزاع کل بورچالو از استان تفلیس را به میان کشیده بودند. در سال ۱۹۱۳ لایحه انجام تغییرات مرزی استانهای تابعه قفقاز توسط جانشین شورا آماده شد و در این لایحه بر پایه اصول نژادی و قومی، الحق بزرگترین بخش شهرستان ایروان و شاخه شمال شرقی شهرستان بورچالو به استان الیزابت پول (گنجه) در نظر گرفته شد. در تاریخ های ۶ نوامبر و ۱۸ دسامبر همین سال (۱۹۱۳) کمیته‌ای ویژه مرکب از ۶ ارمنی (شامل بازرس مالی: زاخاریانس، نماینده‌گان مردم «شولهور»

اریکوف، ب. محرابوف، نمایندگان مردم «جلال اوغلو» ب. ساکوف و
م. با خشینوف و نماینده مردم «خاچین» ب. آوتیسوف)، ۴ نفر
آذربایجانی (شامل مهدی آقا سلطانوف، احمد میرزا محمد اوغلو،
شامیل عباس اوغلو، عبدالرحمن غابیوف) ۲ نفر گرجستانی به نام های
(اینالیش ویلی معاون فرماندار شهرستان، و بازرس مالی: آباراتائش
ویلی) یک نفر روسی به نام (س. بورناشوف قاضی) و یک نفر
آلمانی (یاکوف تاوش) تشکیل گردید. آنان تأکید داشتند با توجه به
اینکه منطقه از شرق و جنوب توسط کوهستانها احاطه و جاده ها به
هندگام بارش برف در زمستان (بویژه جاده های بوزآبدال و گوللو بولاق)
مسدود می شوند، بنابراین در راستای ایجاد ارتباط با تفلیس بایستی نگاه
اقتصادی به منطقه داشت به عبارتی با مردم نظر قرار دادن شرایط
جغرافیایی منطقه و منابع حیاتی اهالی ساکن گسترش روابط مسیر
خواهد بود. از این رور دو کمیته مذکور حمایت خویش را در مخالفت
با درخواست جدایی منطقه بورچالو از ترکیب استان تفلیس به اتفاق
آراء اعلام نمود.

در روز ۲۶ ژانویه ۱۹۱۴ شورای رهبری استان تفلیس این تصویب
را تأیید نمود. به این ترتیب طرح تغییر مرزها عملی نگردید. در سال
۱۹۱۷ مطابق مقررات اداره خاک و قفقاز بار دیگر موضوع تقسیم بندهی
مرزها مطرح گردید. دوباره فضای تاریکی و سیاهی بر بورچالو سایه

۳۰- تجزیهٔ بورچالو

افکند. ارمنیها با احتساب ناحیهٔ لورو از توابع بورچالو و اراضی پیرامون آن، هوس تأسیس استان گومرو (الکساندر و پول) را نمودند. در همین سال تمامی نمایندگان مردم ناحیهٔ لورو جهت شرکت در جلسه‌ای که به ریاست فرماندار بورچالو - عبدالرحیم بیگ حقویردیف - تشکیل می‌گردید فراخوانده شدند و در این اجلاس تمامی نمایندگان به غیر از «سآآکوف» نمایندگان روستای جلال‌اوغلو، به اتفاق آرا موضوع زیر را تصویب و تأیید نمودند.

«بورچالو به هیچ وجه از محدوده استان تفلیس جدا و به استان جدید التأسیس الکساندر و پول الحاق نخواهد شد.» همچنین قطعنامه‌ای در مخالفت با نیت شوم تجزیه بورچالو در تاریخ ۱۰ نوامبر در جلسه مشورتی فوق العاده تفلیس مورد تأیید و تصویب قرار گرفت.

خيال پردازان ارمنی مشغول ترسیم نقشه «ارمنستان بزرگ» یعنی (از غرب ایروان تا روسیه، از دریا تا دریا) بودند.

مورخ مشهور گرجستانی «ایوانه جاواخیش ویلی» این نقشه‌های موهوم و ساختگی منتشره در شهرهای سپتربورگ و استانبول را «نقشه‌های خیالی» می‌نامید.

ترکان مناطق «آخال سیخ»، «بورچالو» «ناخچیوان» (نخجوان)، «آق بابا» «سورمه لی» «شورایل» و ... در سال ۱۹۱۸ با شعار «ترک

تجزیه بورچالو ۳۱

بدون حکومت نمی شود» نسبت به تأسیس تشکیلات سیاسی خود انسدام نمودند. در ۱۳ آوریل ۱۹۱۸، ترکان ساکن «آخال سیخ» موافقت نمودند را در خصوص یکپارچگی با ترکیه اعلام نمودند.

با این حال، مافیای ارمنی بیش از پیش در مورد تصرف خاکهای خریصتر گردیده بود. در ماه مه همسین سال فرقه «دانشناکمسنون» در روزنامه «صدای خلق» چاپ ایروان ارگان فرقه مذکور محدوده مرزی قفقاز جنوبی - ارمنستان را اینگونه تصور نموده بود:

• کل استان ایروان

•• کل منطقه کارس

••• مناطق زیرین استان تفلیس یعنی:

۱) ناحیه شهرستان آخال کلک شامل:

الف) از تالاب «تاپازقور» به سمت شمال ، مجمو عه اراضی روستای «بورژوم» ، بخشی از سلسله کوههای کم ارتفاع جداگانده حوزه آبریز «سخراسکارو» (دوققوز بولاق) شهرستان «قوری».

ب) بخش غربی منطقه بورچالو بنام «زالقا» واقع در شمال شهرستان آخال کلک و خط پیوند دهنده ارتفاعات کوههای بزرگ این قسمت با کوه های ارجیوان به طول ۵/۸ کیلومتر در جهت غرب.

۲) بخش شمالی شهرستان بورچالو یعنی امتداد خط حائل که از کوه «ایری قار» منطقه بورچالو شروع و تا طول رودخانه «خرام» ادامه

یافته و در محل خطوط راه آهن قطع می شود. به نحوی که «بولیس- خاچین» و «شوله زر» در قسمت جنوبی مرز قرار می گیرند. و قسمتی از استان گنجه: ...

این در حالی بود که در همین سال مطابق معاہده «باتوم» کل وسعت اراضی ارمنستان جمعاً ۹۰۰۰ کیلومتر مربع یعنی شامل ایروان، اچمیادزین و گومرو بود.

۲۶ مه ۱۹۱۸ روز استقلال گرجستان، روز اعتلاء و استبدال خواهی دولت مردمی، روز به حقیقت پیوستن آرمانهای مقدس هزاران و میلیونها نفر که آشکار و پنهان در راه تحقیق آن ایده ها مبارزه نمودند. روزی که با واژه های زرین در صفحات سیاه و سفید تاریخ نگاشته شده است.

در تفلیس جمهوری مستقل خلق گرجستان (جمهوری دموکراتیک) از سوی شورای ملی گرجستان در اجلاس تاریخی این شورا اعلام گردید.

تجزیه بورچالو ۳۳



شکل ۲: مرزهای منطقه بورچالو تا سال ۱۹۱۸

- ۱) ناحیه بورچالو
- ۲) ناحیه ایکاترین فلد
- ۳) ناحیه لورو
- ۴) ناحیه تری آلت

۳۴ تجزیهٔ بورچالو

«نوههٔ ژوردانی آ» در بخشی از پیام تبریک خویش به مناسبت اعلام جمهوری گرجستان گفت: «.... ما خواهان و علاقمند به ایجاد روابط نزدیک با اسلام و همسایگان دور و نزدیک خود می‌باشیم . سویژه ما خود را موظف می‌دانیم که به مصیبتهای سایر مردم غیر گرجی دیگر توجه داشته باشیم. این مردم ملت ارمنیها می‌باشد ارمنیهای که در جهت تأسیس دولت خود، قادر اراضی مستقلی می‌باشند....». ما می‌دانیم که ، مسلمانان نیز نظری ما در جهت تحقق آرمانهای خویش حرکت خواهند نمود. آنان در خاک خود، دولت جدیدی ایجاد خواهند نمود....

ملتهايي که وارد اتحاديه کنفراسيون می‌شوند زير يك پرچم، متحد خواهند شد. اين پرچم، پرچم اتحاد خلقهای قفقاز جنوبی و پرچم قدرت و توان اين ملتها خواهد بود.

فتحعلی خان خوی لو نماینده مردم آذربایجان در این اجلاس تاریخی، استقلال گرجستان را به مردم آن کشور از سوی تمامی مسلمانان قفقاز جنوبی تبریک گفت و ضمن تأیید بیانات «نوههٔ ژوردانی آ» گفت: «امروز ما از همديگر جدا می‌شويم تا فردا ييش از پيش با هم ديگر متحد شويم».

در ۲۸ مه همان سال بیانیه اعلام استقلال آذربایجان و ارمنستان نیز فرائت گردید.

بدین ترتیب در سرزمین قفقاز جنوبی جمهوری سه‌گانه مردمی (جمهوری دموکراتیک) پدید آمد.

متأسفانه ارمنیها «ملتی که فاقد خاک مستقل جهت تشکیل دولت بودند» از طریق اشغال و غصب اراضی خاکهای کشورهای همسایه یعنی گرجستان، آذربایجان و با توسل به زور و با نفعه ایجاد کشور برای خود، آرامش و امنیت موجود در منطقه را از بین برداشت و منطقه را بی ثبات نمودند. نظری آنچه که در قفقاز جنوبی، جمهوری سه‌گانه استقلال خویش را باز یافتند، فعالیتهای ارمنیها در جهت به دست گرفتن بورچالو نیز شدت گرفت. حرکت آنان در ایجاد «ارمنستان بزرگ» شتاب بیشتری به خود گرفت به غیر از بورچالو مناطق تفلیس و حتی «قوری» واقع در مرکز گرجستان نیز بخشی از ارمنستان بزرگ به حساب می آمد. طی معاهده‌ای که بین حکومت عثمانی (ترکیه فعلی) و گرجستان از یک سو و حکومت مذکور با ارمنستان از سوی دیگر در تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۱۸ متعهد گردید، خطوط مرزی این کشورها تعیین گردید. جهت تحقق این امر، لازم بود که بین گرجستان و ارمنستان نیز فرارداد سازش بسته شود. ولی این قرارداد از جانب جاهطلبان سیاسی ارمنستان ممکن نگردید.

یک روز بعد، پس از اینکه وزیر جنگ گرجستان در جلسه دولت، گزارشی از آخرین وضعیت امورات در منطقه بورچالو و ضرورت

مشخص نمودن حريم دقیق جمهوری گرجستان، ارائه نمود، قسواً نظمی در مرزهای مناطق « سیغناق و تفلیس » مستقر گردیدند و پس از آن در جهت تعیین حريم مرزا کمیته ویژه‌ای ایجاد گردید. در ۱۹۱۸ زوئن « پ. آینگوراک وانین » یکی از اعضای کمیته گزارش خود را به سمع حاضرین رسانید.

در این گزارش اشاره شده بود به اینکه، « حريم مرزی در قسمت جنوبی تا سلسله کوههای قفقاز صغير امتداد می یافتد و پس از پشت سرگذاشتن مرزهای جنوبی منطقه بورچالو و عبور از سمت جنوبی قاراکلیسا به ساحل شمالی تالاب « گویجه » می‌رسید و به سمت شمال رودخانه « آغستافا » می‌پیچید ... » این موضوع مصادف به زمانی بود که به دلیل کوتاهی هایی که منطقه از نظر تاریخی، قومیتی، دینی، اقتصادی و جغرافیایی به خود دیده بود، ضرورت تعویض قسمتهای انضباطی - اراضی آن احساس می‌گردید.

بر اساس این اصول، یکپارچه‌سازی سرزمینهایی که محل سکونت مردمانی که موافق با تشکیل دولت ملی بودند در نظر گرفته شده بود. بر اساس همین اصل می‌باشد شهرستان بورچالو از استان تفلیس و همچنین ناحیه « قارایازی » از شهرستان تفلیس جدا و به آذربایجان الحاق می‌شد. در کل بورچالو در بین سه کشور گرجستان، ارمنستان و

آذربایجان از جمله اراضی بحث انگلیزی محسوب می‌گردید و این مسئله در طول زمان از پیچیدگی شدیدی برخوردار گشته بود.

پس از اعلام استقلال جمهوریهای قفقاز جنوبی، قوای مسلح آلمانی اراضی بورچالو را تا ایستگاه «سنایین» اشغال نموده بودند. مابقی اراضی شامل «گومرو»، «جلال او غلو» و «کولاگیرن» تحت انتقاد نیروهای نظامی ترکیه قرار گرفته بود. مسلمانان ساکن آشکارا و بی‌پرده اعتراضات خود را علیه نیروهای نظامی آلمانی ابراز و راه نجات را در اتحاد با آذربایجان می‌دیدند.

در سال ۱۹۱۸ در نامه‌ای که بورچالوها خطاب به رئیس شورای وزیران (رئیس جمهور) جمهوری آذربایجان ارسال داشته بودند آمده بود:

«.... سربازان این خاک، خود ما می‌باشیم، از نظر تعداد، بیشترین جمعیت را ما تشکیل می‌دهیم، بنابراین در راستای حاکمیت خلق، ما از هر نظر لائق می‌باشیم.

به همین خاطر ما با مراجعته به پادشاه ترکیه و وزیر اعظم وی خواستار به رسمیت شناختن حاکمیت نیمه مستقل ایلخانی قاراپاپاق، در سایه حمایت ترکیه و با مد نظر قرار دادن شهر تفلیس به عنوان مرکزیت اداره قوانین و مقررات و نیز الحاق منطقه ما به همراه شهر تفلیس به آذربایجان می‌باشیم.

حال ما از دولت آذربایجان استدعا داریم در زمینه پایان دادن به فقر و فلاکت که هنوز هم ما را در بر گرفته تدبیر لازم را اتخاذ نماید. همچنین خواهشمندیم در خصوص براورد میزان خسارت واردہ ناشی از آتش زدن خانه‌ها و کل روستاهایمان، از بین روشن و ویرانی روستاهای و نیز غصب زاینها و غارت محصولات ما توسط ارمنیها و نحوه پرداخت و تامین خسارت‌های واردہ و در جهت ایجاد امنیت و آرامش ما و روستاهای مسلمان نشین هر چه سریعتر اقدام لازم معمول و نسبت به روشن نمودن امکان اعزام نیرو به منطقه و تشکیل کمیته حقیقت‌یاب اقدامات لازم را به انجام رساند.

ما به نام عدالت و حقوق مقدس مسلمانی و بنا به خیرخواهی خود که برای همگان روشن می‌باشد، و به نمایندگی از تمامی مسلمانان ساکن گرجستان به شما مراجعت می‌نماییم.»

پنجم محرم الحرام ۱۳۳۷ هـ ق

مصادف با ۱۹۱۸ میلادی

امضاء کنندگان:

از طرف کلیه مسلمانان ساکن در گرجستان
قاضی سنی مذهب بورچالو: الهیارزاده - یوسف افندی
قاضی شیعه مذهب: محمد شیخ محمد
رئیس و اعضای جمعیت خیریه بورچالو: قربان علی افندی
خلیل زاده و عیسی (۱)

اغلب جمعیت ساکن شهرستان «بورچالو» و «قارایازی» را آذربایجانیها تشکیل می‌دادند. علی‌الخصوص قسمت وسیعی از اراضی بخش مرکزی بورچالو یعنی از منطقه قازاخ تا سرحدات آخال کلک و امتداد آن تا کوههای «آیرسی قیار» و «یشیلیکلی» محل سکونت آذربایجانیها بود. ۹۳٪ اهالی ساکن در بورچالو و یعنی معادل ۳۶۱۵ نفر و همینطور ۸۸٪ جمعیت ساکن در قارایازی یعنی معادل ۷۶۱۹ نفر را آذربایجانیها تشکیل می‌دادند. در یکی از استناد آن زمان آمده است:

ناحیه میانی بورچالو تنها به خاطر اینکه تورکان ساکن در این سرزمینها در جهت الحقاق به جمهوری آذربایجان تلاشهای گسترده‌ای به انجام می‌رسانند برای آذربایجان قابل اهمیت نمی‌باشد بلکه اولًا با توجه به اینکه این منطقه مستقیماً به جنوبی غربی قفقاز راه دارد و از یک سو مانند دهليزی به دریای آزاد متصل شده و از سوی دیگر مانند باریکه‌ای که تمامی اراضی تورکنشین را احاطه نماید، لذا از اهمیت استراتژیکی، تجاری و اقتصادی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. اهمیت منطقه بورچالو به دنبال احداث جاده‌های طراحی شده که مستقیماً از آذربایجان (قازاخ) به «کارسا» و «باتوم» متصل می‌شوند، بیش از پیش افزایش خواهد یافت و در آن صورت ادامه این جاده‌ها کلیه اراضی مسلمان‌نشین را در بر گرفته و پس از گذشتن از کناره‌های اراضی

۴. تجزیه بورچالو

گرجستان، ترکان را از وابستگی اقتصادی و تجاری به همسایگان خود نجات داده و به همراه آن، موجبات استحکام و ثبات استقلال ملی آنسان را فراهم خواهد آورد. بنابراین تصاحب نمودن این پختن از بورچالو با توجه به آنچه که فوقاً اشاره گردیده از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد. (۲)

با توجه به اینکه مسئله بورچالو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده از این رو موضع بورچالو به انجام مکاتبات رسمی بین دولتهای درگیر انجامید که غالباً به برخی از آنها اشاره می شود:

نامه وزیر امور خارجه آذربایجان به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری گرجستان

«این‌جانب مقتخرانه حامل پیغامهای زیرین دولت متبع خودم جهت ابلاغ به شما می باشم : امروز با ملاحظه اخباری که از جانب آن دولت بیان گردیده و از سویی بنا بر اسناد و مدارک موثقی که در اختیار داریم، دولت گرجستان شهرستان بورچالو را جزیی از اراضی خود قلمداد نموده و گویا به بهانه پاکسازی منطقه از دست گروههای راهزن و قلدر، نسبت به اعزام نیروهای نظامی به همراه دستگاتی از نیروهای آلمان اقدام نموده است. با توجه به این مسئله نمایندگانی که از سوی اهالی شهرستان بورچالو به این کشور آمده‌اند اعلام می نمایند که نیروهای نظامی یاد شده باعث گردیده‌اند که درگیریهای مسلحه

تجزیه بورچالو ۴۱

بین آنان و مسلمانان بی دفاع بورچالو به وجود آید به غیر از این، بر اساس اخبار درج شده در مطبوعات و جراید، دولت گرجستان دستور داده اراضی واقع در امتداد خطوط راه آهن قفقاز جنوبی تا نزدیکسی های ایستگاه راه آهن «پولیلو» به تصرف درآید.

دولت، متبوع من با مد نظر قراردادن علاقمندی مسلمانان مسکن «در سراسر مناطق بورچالو، تفلیس و سیفناق مبنی بر قرار گرفتن آن مناطق در ترکیب جمهوری آذربایجان که از طریق نمایندگان آنان ابراز گردیده است، لذا اعتراض شدید خویش را به اقدامات، و دستورات صادره از سوی آن جمهوری اعلام داشته و موکداً خواهشمندیم در جهت حفظ مناسبات دوستانه فیما بین، نسبت به خارج نمودن نیروهای نظامی از مناطق بورچالو و نیز لغو دستور تصرف اراضی آذربایجان مطابق آنچه که فوقاً اعلام گردید، سریعاً تدابیر لازم اتخاذ فرماید.

به موازات این اقدامات، لازم است اضافه نماییم که دولت متبوع من در راستای حل مناقشت مرزی بین دو کشور همسایه، موافقت خویش را در جهت تشکیل کمیته مشترکی که اعضای آن توسط دو دولت تعیین خواهد شد، اعلام می دارد ... »

وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان

م. حاجیمیکی

۱۴ ژوئن ۱۹۱۸

شماره ۱۵

پاسخ وزیر امور خارجه گرجستان به عنوان وزیر امور خارجه
جمهوری آذربایجان

دولت متبوع من در جهت پاسداری از حریم مرزهای جمهوری
خلق گرجستان تدبیر لازم را اتخاذ نموده است و در خصوص نامه
شماره ۱۵ مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۱۸، تأسف عمیق خود را ابراز می‌دارم
چرا که در جهت حفظ امنیت و آسایش داخلی سرزمین گرجستان اتخاذ
چنین تدبیری لازم بود و البته می‌توانست سبب بروز هرگونه سوء
تفاهمنی بشود. شهرستان بورچالو همیشه جزئی از سرزمین گرجستان
بوده و هیچ وقت به موضوعی بحث‌انگیز و شبه‌ناک تبدیل نشده است.
این شهرستان از اول نیز یک واحدی صرفاً قومی و نژادی نبوده است.
در آن صورت مرز شرقی گرجستان نیز شبه‌ناک می‌شد.

ضمن اعلام این موضوع، مطابق توصیه‌های دولت متبوع خودم،
به طور قطع اعلام می‌دارم که دولت جمهوری آذربایجان از این به بعد
حق دخالت در امور داخلی ما را نداشته و موظف به حفظ روابط
صیمانه دیرین بین دو همسایه بوده و دولت گرجستان نیز حفظ این
روابط را از صمیم قلب آرزومند می‌باشد.

وزارت خارجه

مأمور اجرایی وزارت امور خارجه. ن. رامیش ویلى
تفلیس - ۱۷ ژوئن ۱۹۱۸ شماره ۶۹۳۳

تجزیه بورچالو ۳

نامه وزیر امور خارجه آذربایجان خطاب به نماینده باصلاحیت
خوبیش در دولت گرجستان
خواهشمندم مطالب زیر را بدون فوت وقت به اطلاع دولت
جمهوری گرجستان برسانید:

دولت جمهوری آذربایجان نظر به آغاز تبیین مرزهای اراضی
خود، در جهت ایجاد رضایت مندی در منافع دو جانبه و استفاده از
مجموعه نقطه نظرات، مذاکره با دولتهای همسایه از جمله گرجستان را
از قبل برای خود وظیفه می‌داند. دولت مطبوع من ضمن تعحیکم و حفظ
مناسبات دوستانه که از قدیم الایام بین مردم دو کشور برقرار بوده است
امیدوار است که کمیته مشترک تعیین مرزی دو کشور گرجستان -
آذربایجان هر چه زودتر تشکیل شود.

کمیته مذکور می‌باشد در نزدیکترین زمان ممکن همزمان با
تعیین حریم مرزهای اراضی دو کشور، نسبت به شروع مذاکرات و حل
مسائل مربوط ط به آن نیز اقدام نماید. در این صورت دولتهای قفقاز با
توجه به شرایط فعلی بوجود آمده خواهند توانست در جهت منافع
دولت متبوع، وارد عمل شوند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه سعی
گردیده از هرگونه سوء تفاهمی جلوگیری به عمل آید از این رو رسیدن
به هدف نهایی میسر خواهد شد.

۴۴ تجزیه بورچالو

در صورتی که دولت گرجستان با پیشنهاد دولت من مبنی بر تشکیل کمیته مشرک مرزی موافق باشد خواهشمندم تعداد نمایندگان، مکان دیدار آنان با نمایندگان آذربایجان و زمان دیدار را اعلام نمایند.

وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان

م. حاجیمسکی

۲۲ ژوئن ۱۹۱۸ شماره ۱۹(۱)

**پس از مکاتبات یاد شده موضوع تشکیل کمیته حکمیت سه جانبی مرکب از یک نفر از آذربایجان، یک نفر از طرف دولت گرجستان و یک نفر نیز بنا به انتخاب اعضای کمیته از یکی از کشورهای بی طرف محقق گردید.

در صفحه ۴۸ کتاب «جمهوری دموکراتیک آذربایجان» تألیف «نصیب نصیب زاده» از شخصیتهای متعصب بورچالو آمده است:

«طی مذاکراتی که بین محمدامین رسولزاده با رئیس نمایندگی گرجستان صورت گرفت رئیس هیئت گرجستان ضمن پافشاری بر قطعی بودن ادعاها اراضی دولت متبع خویش تأکید می نمود که در صورت عدم تأمین ادعاها اراضی آنان، متول به جنگ و خونریزی خواهند شد.. محمدامین رسولزاده با توجه به قاطعیت دولت آذربایجان بر روی این مسئله، پاسخی مخصوص و ویژه ای داد. ایشان در جواب

اظهارات نماینده گرجستان گفته بود: « هیچ چاره‌ای نیست، اگر محصور نمایند، خون نیز ریخته خواهد شد»

در بخشی از قانون تشکیل پارلمان آذربایجان آمده بود:

«تمامی مناطق وابسته به استانهای گنجه و باکو و نیز بخشن زاقاتلا و عینطور بخشهایی از استانهای تفلیس و ایروان خاک آذربایجان را تشکیل می‌دهند».

جهت حضور نماینده بخش آذربایجانی نشین استان تفلیس در شورای ملی آذربایجان، حق انتخاب یک نماینده به آن منطقه داده شده بود.

در ارتباط با مسئله بورچالو، مکاتبات بین آذربایجان و گرجستان در یک سو راکد ماند و در آن طرف ادعاهای ارضی ارمنستان قوت پیدا کرد.

ارامنه ساکن بورچالو در فصول تابستان و پاییز شروع به فتنه‌گری و فتنه‌انگیزی نمودند. ارمنیهای روستای «شولهور» روستاهای آذربایجانی نشین نزدیک «شولهور» را هدف آتش گلوله قرار دادند. اموال و داراییهای آنان را غارت، منازل آنان را به آتش کشیدند و محصولات کشاورزی روستاهای «ایمیر» و «ساراچلی» نظیر گندم و جو و ... را درو نموده و به سرقت بردن، تمامی احشام شامل گاو، گوسفند و نیز کاه و کلش و آلات و ادوات کشاورزی و باغی اهالی روستای

«سارال علیا» و «گورآرخی» را چپاول کرده به یغما بردند. در نیمه ماه آگوست، باز دیگر ارمنیها، احشام روستای «سارال سفلی» به تعداد ۱۳۰ رأس گاو گرسفتند و نیز ۳۰ رأس از دامهای روستای «ساراچلی» را دزدیده و به سرفت بردند.

جمهوری خلق آذربایجان به مانند یک وکیل مدافع قاطع و قانونمند در جهت اعاده حقوق و منافع ملی عسومی تورکان قفقاز جنوبی به پا خواست و در این مسیر با برداشتن گامهای دیپلوماتیک، نارضایتی خود را نسبت به پایمال شدن حقوق تورکان ابراز نمود. فتحعلیخان خویلو رئیس شورای وزیران جمهوری آذربایجان با علاوه‌ای که به موضوع یاد شده داشت ضمن ابلاغ پیام کتبی به رئیس هیئت نمایندگان جنگی آلمان مستقر در تفلیس، خسارت واردہ به مسلمانان شهرستان بورچالو را که بالغ بر صدها هزار منات بود به اطلاع وی رساند و خواستار پایان دادن به خفقات و جبران خسارت‌های واردہ شد. هر چند ظاهراً اوضاع در منطقه آرام گردیده بود ولی زورگویی و استبداد هنوز ادامه داشت.

بر اساس قراردادهایی که قبلاً ذکر آنها رفت، باریکه مرزی گرجستان و ارمنستان را تورکها به دست گرفته بودند. سپس قشون تورک در ۱۸ اکتبر ۱۹۱۸ همین باریکه را ترک کرده و آلمانها منطقه «گومرو» و حوالی آنرا به تصرف خود درآورده‌اند. پس از مدتی، به دنبال

شکست آلمان در جنگ جهانی، نیرو های نظامی این کشور، بورچالو را ترک نمودند و بخش حساس و مهم منطقه تحت اداره دولت گرجستان قرار گرفت و پاسگاههای آلمانی که در نزدیکیهای «سناین» بود. در اختیار مرزبانان گرجستان قرار گرفت.

هیچ کسی تصور نمی نمود که ارمنیها روزی بتوانند ادعای شراکت بر بورچالو را مطرح نمایند چرا که این ادعا هیچ پایه و اساسی نداشت. سیاستمداران ارمنی نهایتاً به فتنه انگیزی و حیله متول شدند. گروههای نظامی ارمنستان به صورتی غیرمنتظره، پاسگاههای مرز گرجستان را مورد هجوم قرار دادند. این موضوع موجب تشدید مناقشه و درگیری بین گرجستان و ارمنستان گردید.

«ای. جواخیش ویلی» با مد نظر قرار دادن این دوران می نویسد: «شکم سیاست بازان ارمنی بازنده در «عثمانی» نه تنها در بلعیدن و هضم نمودن خاکهای گرجستان سیر نگردید بلکه بیش از پیش بر وسعت آن شکم افزوده شد و گشاد گردید»

هجوم ارمنیها به بورچالو لحظه‌ای متوقف نگردید. در تلگرافی که از سوی «توشاپراش ویلی» رئیس گمرک «سناین» ارسال گردیده بود آمده بود:

«او ضایع بسیار و خیم می باشد، در ۱۸ اکتبر، اراضی واقع بین «کوبر» تا پل مرزی توسط دسته های اول و چهارم تیراندازی قشون

ارمنی تصرف گردید. به ارگانهای بومی دولت در منطقه حداکثر تا ساعت ۷ عصر تاریخ ۱۹ اکتبر فرصت داده شد تا اراضی گرجستان را تخلیه و ترک نمایند. نیروهای نظامی ارمنی بدون اعتناء به این موضوع حمله خویش را به سایر مناطق ادامه می‌دهند»

حاشیه: این قضیه مصادف با روزهایی بود که دستجات قلدر ارمنی در مناطق مختلف آذربایجان از جمله زنگه زور، شرور، اردوباد، جوانشیر، جبراییل، قاراباغ، قازاخ، گنجه و حتی باکو چنین آشوبهای خونینی را به راه می‌انداختند.

وزیر امور خارجه گرجستان طی ارسال یادداشتی به حکومت ارمنستان در ۱۹ اکتبر همان سال «اشغال مرزهای استان تفلیس از سوی نیروهای ارمنی را حرکتی ددمنشانه و آشکار ارمنستان در برابر گرجستان» ارزیابی نمود.

به علت تبدیل بخشهای شولهور و ساداخلی بورچالو به منطقه جنگی، ادارات دولتی منطقه از شوله ور به «ایکاترین فلد» منتقل گردیدند.

منابع، استناد تاریخی و مأخذ نشان می‌دهند که در آن زمان، دستور تصرف و اشغال شهرستان بورچالو تا رودخانه خرام (احرام) به سربازان ارمنی داده شده بود.

اتفاقاتی که در ماه اکتبر روی داد تجسمی بود در جهت پیورشی مستقیم به رودخانه خرام (احرام). در ده سوم اکتبر قشون ارمنی از خونریزی و چنگ در بورچالو دست بر نداشتند.

در فرمان دولت گرجستان در خصوص روز تاریخی ۲۴ اکتبر

آمده بود:

۱- با مد نظر قرار دادن حمله‌های ناگهانی به مضمی از دسته احانت نظامی قشون جمهوری ارمنستان به مرز جنسوبی شهرستان بورچالو و اتفاقات ناشی از این امر، دولت جمهوری گرجستان مقرر می‌دارد: در منطقه بورچالو و محورهای جنوبی خطوط راه آهن گرجستان و ناخجیانی چنگی اعلام گردد.

۲- استاندار نظامی منطقه بورچالو و نیز محورهای فرعی خطوط راه آهن واقع در جنوب گرجستان که در دست نیروهای نظامی جمهوری گرجستان می‌باشد، آفای «گی اور گی» تعیین می‌گردد. در تلگرافهای ارسالی از سوی «سولوکیدزه» فرمانده نیروهای مستقر در منطقه بورچالو مطالبی مبنی بر یورش‌های ناگهانی و قدرمآبانه نیروهای ارمنی به میان آمده است.

مطابق این تلگرامها طی سه چهار روز آخر ماه، حملات شبانه قشون ارمنی به مناطق مرزی واقع در غرب شهرستان بورچالو- وروننس ووکا، شدت یافته است.

۵۰ تجزیه بورچالو

روزیم ارمنستان به تلاش‌های صلح آمیز دولت گرجستان مبنی بر پایان دادن مسالمات آمیز چنگ پاسخ مثبت نداد، از اعزام نماینده خود به کنفرانس صلح شرق‌جنوبی سرباز زد، با این اقدام کنفرانس را «اختیل نمود» در نهایت اوضاع بیش از پیش بغرق قدر شد.

در اخبار منتشره از سوی دولت گرجستان درخصوص اوضاع

منطقه بورچالو می‌خوانیم:

در ۱۸ اکتبر بخشی از نیروهای نظامی جمهوری ارمنستان وارد منطقه بورچالو گردیدند. این نیروها در امتداد خطوط راه‌آهن حرکت کرده تا «سنایین» پیشروی نمودند. نیروهای نظامی ارمنی در تلاش برای تصرف ایستگاه راه‌آهن «سنایین» با اعتراض دژبانی آلمانیهای مستقر در ایستگاه مواجه گردیدند. این اعتراض باعث گردید، سربازان ارمنی چند کیلو‌متر به سمت جنوب عقب‌نشینی نموده و در ایستگاه «کویر» متوقف شوند. تعداد دسته‌های نظامی، شامل دو گروه تیرانداز (پیاده) بود.

دولت گرجستان، دو خودروی زرهی به فرماندهی «قوقوآذه» به

ایستگاه راه‌آهن «سنایین» اعزام نمود.

در ۲۰ اکتبر، رئیس جمهوری گرجستان از «قوقوآذه» تلگرامی

بدین مضمون دریافت نمود:

«ساعت ۱۵ روز ۲۰ اکتبر وارد ایستگاه «سنایین» شده و پس از

بررسی اوضاع و روشن نمودن مسائل موجود با خودروهای زرهی

روانه مرز گردیدم، قشون ارمنی پل واقع بر روی رودخانه «دبد» را که مابین ایستگاه های راه آهن «کوبر» و «کولاگیرن» بوده و حدوداً در ۱۲۵ کیلومتری ما قرار گرفته را، به تصرف خویش در آوردہ بودند. به اشغالگران اخطار دادم تا تسبت به پاکسازی منطقه اقدام نمایند و نهایتاً پس از رفت و آمد های فراوان، درخواست اینجانب عملی گردید...»

در تاریخ بیست و چهارم اکتبر یادداشت دیگری خطاب به حکومت ارمنستان ارسال گردید:

«در صورت عدم ممانعت از تجاوز به خاک گرجستان توسط نیروهای نظامی ارمنی، دولت گرجستان این مسئله را به عنوان آغاز عملیات جنگی از جانب ارمنستان تلقی خواهد کرد»

در تاریخ بیست و ششم اکتبر «ن. رامیش ویلی» وزیر امور خارجه «ن. قتورقادزه» وزیر جنگ گرجستان گزارشی در خصوص درگیریهای مسلحه بورچالو به اجلاس اضطراری پارلمان ارائه دادند. در این جلسه ضربالمثلهایی (در رابطه با جنگ و درگیری) نظیر آنچه که در پی می آید، یادآوری گردید:

«جاناواری نه قدر یئدیرتسن ده، گؤزو یئنه مشهددهدیر»

یعنی: هر چقدر حیوان را مورد تغذیه قرار بدهی ، باز چشمش به بیشه و علفزار است.

نمایندگان پارلمان، گرجستان را تماماً به وحدت و یکپارچگی در راه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی در مقابل دشمن و نیز گسترش مناسبات دوستانه و اتحاد با آذربایجان دعوت نمودند.

در همین روز تلگرافی از سوی ژنرال سولولکیدزه از «سنایین» دریافت گردید:

«صبح ساعت ۵ بنابه دستور اینجانب، به سمت گروههای که «کورونجو» را به اشغال درآورده بودند، از طریق واحدهای زرهی ، آتش باریده شد. در این آتشباری اغلب اشغالگران زخمی گردیدند، ساعت ۳۰ / ۷ دقیقه درگیری خاتمه پیدا کرد، نهایتاً «درو» فرمانده کل دستجات قشون ارمنی مجبور به تحويل «کورونچ» گردید.»

برگی از خاطرات عزیز معلم خدمتگزار قدیمی فرهنگ از تبار «مورسه قول»های نامدار: «در آن زمان من ۱۱-۱۲ سال سن داشتم، تمام آنچه که اتفاق افتاده به خوبی در خاطرم میباشد. پاییز سال ۱۹۱۸

میهمان عمومی مادر ناتنی ام بنام «رشیدآقا اسرافیل اوغلسو آجالو» در روستای «کپنکچی» از توابع بولنیس بودم. مسیر راه به قدری خوفناک بود که ما جرأت نکردیم از آنجا به «قیزیل حاجیلو» برویم. به همین خاطر تمام فصل زمستان را در آنجا ماندیم. چند خانواده ارمنی نیز از اهالی روستای «خاچین» که در همسایگی روستای کپنکچی قرار داشت در منزل رشیدآقا پناه گرفته بودند. یک دسته از آذربایجانیهای اسب سوار که تحت فرماندهی افسران گرجی قرار داشتند نیز در آنجا حاضر بودند».

گزیده‌ای از مطالب مطبوعات وقت

«سربازان ارمنی با تجاوز به حریم بورچالو به محدوده مرکزی آن نفوذ نموده، بخشهای «پمبک» و «لورو» را اشغال کرده و در ارتفاعات «سنایین» و «کوبر» به استحکام مواضع خود پرداخته‌اند... ارمنیها هم اکنون می‌خواهند خود را در زمینهای حاصلخیز گرجستان که به تصرف در آورده‌اند ثابت نموده، ماندگار شوند.».

(Sakaret Velo) روزنامه «ساکارت وئلو»

۵۴ تجزیهٔ بورچالو

«هجوم ارمنیها به منطقه بورچالو، فلاتکت‌بار می‌باشد. اردوی ارمنیها و رجیخوانی آنان خطرناک نمی‌باشد بلکه بروز جنگ بین ملت‌ها، بزرگترین خطر می‌باشد. زیرا که جنگ مذکور این امکان را به دشمن خارجی می‌دهد که ما را سرکوب کرده از بین بیرند».

(روزنامه ارتوبا «Ertoba»)

«اگر ارمنیها هم مثل گرجیها و آذربایجانیها دارای سرزمین آباء و اجدادی بودند، در آن صورت نه تنها پیشبرد امورات بخش دولتی مربوط به هر سه ملت آسان می‌شد بلکه انجام کارهای ملی نیز به راحتی و به سهولت امکان‌پذیر می‌شد... در جهت تشکیل و ایجاد سرزمین ارمنستان، ضروری می‌باشد که از جسم و تن ملت همسایگان قطعاتی با توسل به زور و حیله گرفته شود».

(روزنامه قروزیا «groziya»)

Въ борчалинскомъ уѣздѣ.

Въ началѣ вѣка въ Борчалинскомъ уѣзда, какъ и въ всѣхъ другихъ уѣздахъ Грузии, было многое, что заслуживало вниманія. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности.

Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности.

Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности. Въ то время, когда въ Грузии было мало промышленности, въ Борчалинскомъ уѣздахъ было много промышленности.

سال ۱۹۱۸: اخبار یکی از روزنامه ها

در خصوص یورش نیروهای نظامی
ارمنستان به بورچالو

Всемирное положение въ борчалинскомъ уѣздѣ.

Приемъ правительства послѣ
блока Грузия по замыслу вѣдом-
ству, 24 января. Ихъ вѣдом-
ствѣ проехали по Кавказу
гражданѣ борчалинскаго уѣзда.
Согласно имъ въ Борчалинскомъ
уѣздахъ земельныхъ участковъ
Армянскаго разоруженія, прав-
ительство Грузинской Республики
постановило выселить борчалин-
скимъ уѣздѣ въ Кахетію. Пѣти гру-
зинскихъ железнодорожъ на-
вигационъ избраны.

Генеральгубернаторъ бер-
дзеништадтъ уѣзда и генералъ атаманъ
православія коптскихъ дорогъ
армянскаго разоруженія Грузинской
Республики, назначается коман-
диръ бригады 2-й пѣхотной дѣ-
ловъ генералъ майоръ Цуцникад-
зе.

سال ۱۹۱۸: دستور اعلام وضعیت
جنگی در بورچالو

«در چنین شرایطی بود که ارمنی‌ها در گرجستان و آذربایجان و در ارمنستان هم آذربایجانی و گرجی‌ها از خانه و کاشانه خود سرگردان و آواره شدند».

روزنامه «قروزی یا» در تاریخ دهم سپتامبر می‌نویسد: «کسانی که از «جلال‌اوغلو» می‌آیند خبر می‌دهند که حتی یک ارمنی نیز در آنجا باقی نمانده است» در نزدیکی تفلیس و ایستگاه «سارال سفلی» در جهت کمک رسانی و توزیع مواد غذایی و پول بین پناهندگان و آوارگان، مکانهای ویژه‌ای اختصاص یافت.

بخش معینی از آوارگان و پناهندگان ارمنی در شهرستانهای «آخال کلک» و «بورچالو» اسکان داده شدند. مرتبط با این موضوع، منوعیتهای اعلام شده توسط حکومت گرجستان نشینیده انگاشته می‌شد و مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفت. روزنامه «ساکارت وئلو» می‌نوشت: «همسایگان ما، به گرجستان به دیده هتل و میهمانخانه ارمنیها می‌نگرند».

چقدر هم واضح! «میهمانخانه ارمنیها» البته می‌توانستند این عنوان را هم در آذربایجان، هم در روسیه و هم در ترکیه ایراز نمایند. در ماه نوامبر و اوایل دسامبر، وضعیت بیش از پیش وخیم گردید. یادداشتها، تلگرامها و اعتراضهای مقابل و ... گسترش یافت. جنگ به مناطق «آخال کلک» و «آخال سیخ» نیز کشیده شد. حکومت گرجستان

اهالی مناطق مذکور را به روراست و صادق بودن با گرجستان فرا خواند در بخشی از این اعلامیه آمده بود: «مسلمانان مطمئن باشند که به هیچ وجه از آنان در انجام خدمت سربازی در قشون گرجستان استفاده نخواهد شد، به آیینهای مذهبی و آداب و رسوم ملی آنان تعریضی نخواهد شد، تمامی آنان و تعلقات دینی و ملی آنها تحت حمایت و حراست قوانین موجود قرار خواهند گرفت». ولی مسلمانان نیز خواهان تعیین سرنوشت خویش به دست خودشان بودند.

نظریر جمهوری بورچالو-قاراپاپاق، جمهوری آخال سیخ (آخیستقا) نیز به صورت موقعی تأسیس گردید. «آسیف عباس اوغللو» طی مقاله‌ای که تحت عنوان «جمهوریهای تورک در قفقاز» در روزنامه «ادبیات» به تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۹۱ به چاپ رساند آورده است: «عمر قایق بیگ از پرچمداران بزرگ در جهان تورک به عنوان اولین رئیس جمهور آخال سیخ انتخاب گردید. با هدف مصونیت در مقابل تجاوز اجانب و نیل به استقلال، جمهوری های «بورچالو-قاراپاپاق» (آخیستقا)، آراز (ارس) و دیگر جمهوریهای تورک، متحد شده. و «شورای اسلامی کارس» را تأسیس نمودند. اولین رئیس این شورا بنام «امین آقا» والی (کدخدای) بورچالو تعیین گردید. و ایشان فعالیت جنگی

۵۸ تجزیه بورچالو

خویش را در جهت متحده نمودن تمامی تورکان و حراست از این اتحاد، شروع نمود.

... در عین حال، ارمنیها و گرجیها در بورچالو در حال جنگ بودند.

روز ششم دسامبر رستای «اوزانلار»: یکی از افسران گرجی توسط سه نفر از سربازان اسب سوار در رستای «اوزانلار» خلع سلاح گردید و به اسارت درآمد. در همین روز «شیخ» نیز شاهد درگیری بود. روز نهم دسامبر «بورونس ووکا»: در اثر درگیری مابین گرجیها و ارمنیها، یک افسر گرجی بنام «پوردچیک شوبلاذزه» و ۱۵ سرباز دیگر زخمی و دو سرباز دیگر کشته شدند.

دهم دسامبر - سناین: پست مرزبانی توسط نظامیان تمنگ دار ارمنیها به محاصره درآمد. بر اثر آن چند تن کشته و تعداد بیشتری از نیروها هم به اسارت درآمدند.

دهم دسامبر: یک قطار مسافربری در منطقه بین «الهوردی» و «سناین» زیر آتش قرار گرفت و بر اثر آن، راهنمای قطار زخمی گردید.

۱۱ دسامبر: خط راه آهن بین ایستگاههای «الهوردی» و «سناین» از هم شکافته شد.

۱۳ دسامبر: بخش سیزدهم قشون ارمنی، «ورونس ووکا» را مورد هجوم قرار داده و داخل این منطقه شدند. در نتیجه این یورش، تلفات سنگینی وارد آمد.

شبهای ۱۵ و ۱۶ دسامبر «ساداخلی»: ساداخلی در طول شب شاهد درگیریهای متقابل بین نیروهای ارمنی و گرجی بود. نزدیک سپیدهدم، بر شدت درگیری‌ها افزوده شد. در طول روز نیز علیرغم بارش برف و باران، درگیریها ادامه داشت و اصلاً متوقف نگردید.

هفدهم دسامبر «ساداخلی»: نیروهای نظامی گرجستان ساعت ۶ صبح وارد «ساداخلی» گردیدند. بر اثر درگیری یک افسر و دو سرباز گرجی زخمی و ۱۲ نفر دیگر مفقود گردیدند.

وزرات امور خارجه ارمنستان به گرجستان هشدار داد تا از ورود به محدوده اراضی «کارتلی» امتناع نمایند. مطابق این درخواست گستاخانه، گرجستان می‌باشد از مناطق بورچالو، آخال کلک و بخشی از منطقه تفلیس (که شامل شهر تفلیس هم می‌شد) دست بر می‌داشت و این مناطق را واگذار می‌نمود. مکاتبات، تماسهای تلفنی، دیدارها، مذاکرات و ... بدون نتیجه ماند و ثمری نداشت. ارعاب، تهدید، تحقیرهای متقابل و ... به شدت افزایش یافت.

در هفدهم دسامبر: رسماً اعلان جنگ گردید.

۶۰ تجزیه بورچالو

... در همین روز ، فراخوانی تشکیل جلسه اضطراری پارلمان گرجستان صورت گرفت «نوئه ژوردانی آ» رئیس جمهور گرجستان در این اجلاس اظهار داشت:

«چطور شده است در قرون وسطی که دوران وحشیگری بود، این دو ملت (منظور خلقهای گرجی و ارمنی) مناسبات و روابط مستحکم دوستانه داشتند ولی اینک در قرن بیستم حکومت ارمنستان، راه جنگ را در پیش گرفته است؟ ... بزرگترین جنایت تاریخ بشریت پدید آورده شد و مسلماً این جنایت همچون حقارتی زدوده نشدنی در صفحات سیاه تاریخ ماندگار خواهد بود.».

... در همین روز در آدامه اجلاس، پارلمان تصویب نمود: «پارلمان گرجستان تمامی تصمیمات دولت و اقدامات پیشگیرانه را مورد تأیید قرار می دهد و در جهت دفاع از حکومت گرجستان ، از هیچ کوششی و کمکی دریغ نخواهد کرد...» در همین روز، یکی از فرماندهان مشهور گرجی بنام «ژنرال قی اورقی مازنیاش ویلی» به سمت فرمانده نیروهای نظامی مقابله کننده با ارمنستان منصوب گردید.

... در همین روز طی بیانیه‌ای که خطاب به ملت گرجستان از سوی دولت صادر گردیده بود آمده بود:

«جای بسی تأسف است که نمایندگان مسئول در جمهوری ارمنستان، اصول دموکراتیک را زیر پا گذاشته و موجبات تشدید هرج و مرج، نابسامانی، از بین رفتن مدنیت و بروز خطرات را فراهم آوردند. اینان پس از فاجعه جنگ جهانی، در پی ایجاد جنگ خونین دیگری می‌باشند. حکومت گرجستان اعلام می‌دارد که این کشور در بروز و ایجاد این جنایتها هیچگونه دخالتی نداشته و تمامی مسئولیت ناشی از این امر بر عهده رژیم ارمنستان می‌باشد».

در بعد از ظهر همین روز دانشجویان دانشگاه تفلیس گرد هم آمده و طی تجمعی اعلام داشتند: «تمامی ما دانشجویان در دفاع از وطنمان آماده حضور در جنگ می‌باشیم».

طی همین روز گروهی از ساکنین منطقه بورچالو تلگرافی بدین مضمون به تفلیس ارسال نمودند: «رژیم ارمنستان که در پی الحاق خاکهای گرجستان به حکومت خویش می‌باشد باید پداندکه ما در طول تاریخ هیچوقت آرزوی آن را نداشته‌ایم که روزی در ترکیب ارمنستان قرار بگیریم ... »

حکومت گرجستان روز نوزدهم دسامبر طی یاداشتی خطاب به ارمنستان اعلام نمود:

«به دلیل حمله نیروهای نظامی ارمنستان به خاک گرجستان، روابط دیپلماتیک گرجستان با آن کشور قطع می‌گردد».

امنیت و آرامش حاکم بر ففقار مدنظر نمایندگان مردم حکومت آذربایجان بود، به نحوی که محمدامین رسولزاده در آغاز به کار پارلمان طی نطقی در خصوص این موضوع که سرنوشت ففقار به اتحاد با سایر همسایگان نزدیک از جمله با گرجستان با توجه به وجود روابط دائمی نزدیک و ثابت بستگی دارد مطالبی بیان نمود.

روز شمار جنگ:

۱۸ دسامبر: تلاش نظامیان ارمنی در تصرف ارتفاعات «۳۲۴» و کوه «قاتیخ داغی» ناکام ماند. ساعت ۴ بامداد بارش برف شروع گردید. ارمنیها حمله خود را از سمت روستای «جوچکن» توسط سه گروهان از نیروها آغاز نمودند آنان با توصل به مکر و ترفند خطاب به نیروهای گرجی با صدای بلند اعلام داشتند: «ما گرجی هستیم. سلاحها را بر زمین بگذارید». از آن طرف با صدای بلند گفته شد «ما نیز گرجی هستیم به سمت ما بیایید و بگویید از کدام دسته نظامی می‌باشید» آنگاه پاسخ همدیگر را با رگبار و آتش گلوله‌ها دادند.

۱۹ دسامبر: شهر وروننس ووکا: جنگ خونینی درگرفت.

۱۹ دسامبر: ایکاترینفلد: در طول روز یک لحظه هم جنگ خاموش نشد. در این روز ۶ افسر و ۲۳۰ سرباز ارمنی کشته شدند و ۳۰۰ قبضه اسلحه و یک دستگاه تلفن به دست نیروهای گرجی افتاد.

۱۹ دسامبر- ساداخلی: درگیری صورت گرفت.

۲۰ دسامبر. شهرستان آخال کلک: درگیری به مدت ۱۲ ساعت ادامه یافت و در نتیجه آن نظامیان ارمنی شکست خورده و دو تن از افسران و بیش از ۱۰۰ تن از سربازان ارمنی کشته شده یک افسر و ۵۰ سرباز به اسارت درآمده و سلاحهای زیادی به غنیمت گرفته شد.

۲۰ دسامبر: ساداصلی: جنگ در ارتفاعات «۳۲۴» حالت جدی به خود گرفت.

۲۱ دسامبر - ساداصلی: گروهان یکم از لشگر پیاده ارتش گرجی تحت فرماندهی سرهنگ دوم «رومazonov» در ارتفاعات مشرف به «دمیر کندی»، دسته مرزبانی تحت فرماندهی سرهنگ «کونچویف» در ارتفاعات ۳۲۴ ، یک گروهان از هنگ ششم در ارتفاعات ۲۷۰۲ تا حواشی راه آهن به فرماندهی سرهنگ دوم پورسلاذه، گروهان دیده بانی در روستای «المبهلی»، گروهان یکم از همین گردان در روستای «کورپولو» و دو گروهان از هنگ پنجم تحت فرماندهی سرهنگ دوم میکاپریدزه در کوه «یتل» مستقر شدند. ساعت ۱۱ صبح کوه «گسودک بورون» از سوی ارمنی ها هدف گلوله های توپ قرار گرفت، از سوی دیگر در راه آهن ، یک دستگاه قطار به آتش کشیده شد، ارتباط تلفنی با روستای سارال سفلی قطع گردید و در طول شب گاه به گاه صدای شلیک گلوله به گوش می رسید.

۲۲ دسامبر - سادا خلی: صحیح ساعت ۹ ابتدا از سوی ارمنیها نیروهای نظامی گرجی مستقر در کسوه «باباکر» و سپس واحدهای توپخانه گرجی به شدت هدف گلوله‌های توپ قرار گرفتند، در نتیجه این حمله ارتفاع «قاتیغ داغی» به تصرف ارمنیها درآمد. خطوط و ارتباط ریلی و تلگراف به طور کامل قطع گردید.

۲۳ دسامبر - سادا خلی: ارتش گرجستان نسبت به استقرار کشیک در حد فاصل بین «سارال سفلی» تا روستای «آغ محمدلی» اقدام نمود.

۲۴ دسامبر - اخبار رسمی ارسالی از قرارگاه فرماندهی گرجستان: «جنگ شدید دو روزه در منطقه سادا خلی با عقب نشینی نیروهای ما به موقعیت جدید خود پایان یافت. دشمن حملات خود را با استفاده از نیروهای بسیار قوی انجام می‌داد. آنان به دروغ نقش حل کننده مسائل اهالی روستا های ارمنی نشین، که در قسمت عقب منطقه جنگی واقع شده بودند را بازی می‌کرد، در این رویداد ارتباط اهالی را با دنیا خارج قطع و راه آهن را منهدم نمودند.

ضمناً قسمتی از گزارش رئیس ستاد نیروهای نظامی گرجستان خطاب به قرارگاه مرکزی خلق جالب توجه می‌باشد.

«در جنگهای پایانی به هنگام اجرای عملیاتهای جنگی توسط نیروهای ارمنی یک موضوع بسیار بارز بود:

به محض شروع حمله در جنگ، در آن واحد که نظامیان ما در روستاهای ارمنی مستقر می‌شدند ساکنین روستاهای فوق دست به قیام و شورش می‌زدند، بدین ترتیب ملاحظه می‌شد که اهالی این روستاهای توسط فرماندهان ارمنی هدایت می‌شدند... ارمنیها در درگیری دیروز که در نزدیکی روستای سادا خلی روی داده اغلب به این گونه قواعد دست زدند. همزمان با انجام حملات در مناطق جنگی، پشت جبهه ساکنین روستاهای «شولهور» و «دمیه» شروع به تخریب و انهدام متعلقات ژنرال «سولوکیدزه» نموده و به دنبال آن در جهت انجام حملات، دستیجات نظامی تشکیل دادند... در جهت تحکیم مواضع خودمان در جناح چپ، تدابیر لازم در حد فاصل «سارال سفلی» تا رودخانه (کور) اندیشیده می‌شود».

۲۴ دسامبر - قازاخ: نظامیان ارمنی به شهرستان قازاخ تجاوز نمودند. تمامی ارمنیهای ساکن در شهرستان قازاخ متحد شده و تحت فرماندهی افسران ارمنی از مرز عبور کرده و به سمت گرجستان حرکت نمودند.

۲۵ دسامبر - جنگ در منطقه بین دو شهر شولهور و سادا خلی ادامه یافت.

۲۸ دسامبر - شولهور: به نظامیان گرجی دستور داده شد حداقل تا پایان روز در نزدیکی روستای «بیطرفلی» تجمع نموده تا آمادگی لازم

را جهت حمله به روستای سادا خلی و ایستگاه راه آهن و تصرف این مناطق که فردای همان روز صورت گرفت داشته باشند. ساعت ۱۲ ظهر، دستور دیگری صادر گردید: تصرف روستای «سارال علیا» به دلیل حمله‌های شدید نیروهای نظامی گرجستان، قشون ارمنی طاقت نیاورده تا روستای «آخلى لهله» چهار نعل فرار کردند.

۲۹ دسامبر - شولمور «روستاهای «آخلى لهله» و «سارال علیا» ساعت ۳۵ / ۷ دقیقه با مداد از تصرف ارمنیها آزاد شدند. در این عملیات دو ازاده توب و دو جعبه خمپاره به دست گرجیها افکار همچنین بر اثر آن ۲ افسر و ۱۳۰ سرباز ارمنی و یک سرباز گرجی کشته شده و چهار سرباز گرجی دیگر زخمی شدند.

۳۰ دسامبر - شوله ور: به قشون گرجستان دستور صادر گردید: تصرف «садا خلی» و ارتفاع «۲۷۰۲» در اجرای این فرمان، ساعت ۱۰ قبل از ظهر «садا خلی» به تصرف ارتش گرجستان در آمد. ارتش ارمنستان تا مناطق «جوچکن» و «آیریم» عقب‌نشینی نمودند. اسب‌سواران آذربایجانی به یاری قشون گرجی شتافتند. به علت عدم موفقیت نیروهای نظامی تحت فرماندهی سرهنگ دوم «جاپاریلدزه» و «میکاپریلدزه» امکان تصرف ارتفاع «۲۷۰۲» میسر نگردید.

۳۱ دسامبر - سادا خلی: به ارتش گرجی دستور داده شد: پاکسازی روستاهای «گوللوباغ»، «خوجورنو»، «بردهزور» و حرکت به

سمت منطقه «الهویردی». مطابق این دستور دسته تحت فرماندهی سرهنگ دوم جاپاریدزه می باشد ارتفاع «۲۷۰۲» و روستای «لمبه لی» را به تصرف خویش درمی آورد. دسته نظامی تحت فرماندهی سرهنگ دوم «میکاپریدزه» توالت است تا ساعت ۴۰ / ۵ دقیقه بامداد در صخره های «خوجورلو - کوربیوت» دوام بیاورد.

روستاهای «خوجورنو» و «گوللوباغ» تا ساعت ۷ عصر به دست نیروهای گرجی افتاد. در این نبرد ۱۱ تن از سربازان گرجی کشته و ۳ افسر و ۳۶ نفر از سربازان زخمی شدند. عصر همان روز ژنرال «ق. سولوکیدزه» کتاباً به ارتش گرجستان دستور داد «فردا باید الهویردی به تصرف درآید». ساعت ۱۵ / ۱۱ دقیقه شب دستوری از سوی فرمانده دسته بورچالو مبنی بر جلوگیری از تحرکات خصم‌مانه ارمنیها صادر گردید...

نیروهای ارمنی به دلیل شکستشان در جنگ و اینکه در صورت ادامه این شکستها، مجبور بودند تا مرزهای سابق عقب‌نشینی نمایند، ناچار رضایت خویش را مبنی بر توقف جنگ در ساعت ۲۴ روز ۳۱ دسامبر اعلام کردند.

نوئه ژوردانی آ در اجلاس ویژه پارلمان گرجستان پس از مشاهده این تلگراف اعلام داشت:

در چنین شرایطی ادامه جنگ نه تنها به معنای دفاع نخواهد بود بلکه نشان از قصاص می‌باشد. و بدین ترتیب بر اساس رضایت حاصله، جنگهای خونین در بورچالو نیمه شب ۳۱ دسامبر به طور کامل متوقف گردید. در توافق جنگ مذکور دخالت «میسیاسی» مستشار نظامی انگلیسی نقش مؤثری داشت.

گزیده‌ای از مطالب مطبوعات:

«درست است که عملیاتهای جنگی متوقف گردید. اما هنوز آرامش حاکم و برقرار نگردیده است... ما به انگلیسیها اعتماد داریم ولی وعده‌ها و سخنان حاکمان ارمنی را باور نداریم . به همین خاطر، ارتش ما می‌باشد در جهت پاسداری از مرزهایمان ایستادگی و مقاومت نماید

«ارتوبا» (Ertoba)

جامعه بشری و هر نهاد اجتماعی بایستی آگاه باشد که در جهت توافق عملیاتهای جنگی، ارمنیها متعهد می‌باشند و مادامی که ارمنیها از کل منطقه بورچالو پاکسازی نشده‌اند، ما به جنگ ادامه خواهیم داد. ما برای همیشه دندانهای ارمنیها را که در جهت غصب سرزمین ما آنها را تیز نموده اند خرد خواهیم کرد.

(Sakalkho Sakme) روزنامه ساخالخوساکمه

«سال جدید ۱۹۱۹ برای گرجستان شرایط مساعدی را رقم زد. دشمن درونی مخالف استقلال گرجستان یعنی ارمنیزم جنگ طلب، سرنگون گردیده و با شکست بسیار سنگینی مواجه شده بود... غلبه بر نیروهای نظامی ارمنی به شرطی که این واقعیت به انتها بررسد نه تنها برای استقلال گرجستان بلکه برای کل منطقه فرقاژ جنوبی مایه آسایش و راحتی خواهد بود، این موضوع برای تمامی ساکنین فرقاژ زمینه مساعدی را برای همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌آورد چرا که ارمنیهایی که فاقد اراضی مخصوص به خود بوده و در آرزوی ایجاد کشور مستقل برای خود می‌باشند، اقدام به ایجاد هر گونه هرج و مرج، اغتشاش، غارت و چپاول در منطقه می‌نمایند.

(روزنامه «قروزی یا» (groziya)

در جهت بررسی و تحلیل علل پیدایش قیام منطقه بورچالو و تحقیق عوامل بروز جنگ با ارمنستان، بنا به دستور وزیر جنگ گرجستان، کمیته ویژه تحقیق در تاریخ هشتم ژانویه ۱۹۱۹ تشکیل گردید. اعضای کمیته با اهالی محل و ساکنین شهرستان بورچالو دیدار و با آنان مصاحبه نمودند. یکی از شاهدین ارمنی اینگونه توضیح داده

بود:

«در حال حاضر سکوت نسبی در میان ما حاکم می‌باشد، اما نمی‌توان تصور نمود، فعالیت تشکیلاتی که از تأسیس آنها بیش از بیست سال می‌گذرد و سعی دارند در راستای اهداف ناسیونالیستی و

۷- تجزیه بورچالو

مقاصد ملی گرایی خویش ، تبلیغاتی بر علیه سایر خلقها به انجام برسانند یا به مطالبات عدالت‌جویانه آنان بی‌اعتنایی نمایند، به پایان رسیده باشد».

مکاتبات، مذاکرات و ... بار دیگر از سر گرفته شد.

در کنفرانسی که از تاریخ ۹ الی ۱۷ ژانویه تحت عنوان «کنفرانس ارمنستان- گرجستان» در تفلیس تشکیل گردید، تأسیس «منطقه بیطرف» در منطقه بورچالو مورد تصویب قرار گرفت.

در این مصوبه می‌خوانیم:

الف) مرز شمالی «منطقه بیطرف» بورچالو محلی خواهد بود که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۱۸ راس ساعت ۲۴ توسط نیروهای نظامی گرجستان به تصرف درآمده است.

ب) مناطق مشروحة زیر به عنوان حریم و محدوده مرزی «منطقه بیطرف» بورچالو تعیین می‌گردد:

کوه «آیری قار» سلسله کوههای مشرف به روستای «پیرغان چای» خط حائل در ارتفاعات ۷۹۸ و ارتفاع ۶۷۶ از ارتفاعات ۸۰۵ / ۵ «اولوداش»، روستای « ساعاتلی »، ارتفاع ۹۱۰، ارتفاع ۹۹۵ روستای «جاندار»، روستای « آغ کورپو »، روستای « اوپرت »، ارتفاع ۴۹۲ ، ویرانه های کلیسای نزدیک « خوجورنسو »، روستای « بردہ زور »، روستای « ساداخلی »، « ایستگاه خط آهن ساداخلی »، ارتفاع ۱۵۵۴ واقع در شمال

سادا خلی تا ارتفاع ۲۶۶۰ تپه داغ، سپس از «هاچاقایا» تا مکانی در شمال به نام «بولاق»- نهایتاً کوه «پالیدلی باش».

مطابق این طرح روستاهای «یئرخانچای، ساعاتلی، جاندار، آغ کورپو، اوپرت، خوجورنو، برده زور، سادا خلی» در شمال خط حائل قرار می گیرند.

محدوده جنوبی منطقه بیطرف که مخصوصاً ترکها بود جزو «دسيخ- جلال او غلو» محسوب می گردد.

توضیح: مرزبندی فوق در واقع بیان کننده همان مرزهایی است که در حال حاضر دو کشور گرجستان و ارمنستان را از هم جدا می نمایند. این تقسیمات مرزی میان این بود که منطقه بورچالو به سه قسمت

تجزیه می شد:

بخش شمالی آن به گرجستان، بخش جنوبی آن به ارمنستان و اگذار می گردید و ناحیه لورو نیز به نام منطقه بیطرف نامیده می شد. پس از این اقدام، در مورد تعداد قشونهای گرجستان و ارمنستان مستقر در نواحی بورچالو و آخال کلک تعداد نظامیان ترخیصی، مبالغه اسرای جنگی، آزاد نمودن گروگانها، نحوه اداره منطقه بیطرف بورچالو و سایر مسائل دیگر موافقتهای لازم کسب گردید. در خصوص نحوه اداره ناحیه بیطرف مقرر گردید که این اقدام توسط کمیته

مشترک(نمایندگان دولتهای گرجستان و ارمنستان) با نظارت انگلیسیها صورت پذیرد.

روزنامه «ساکارت ولو» که مسئولیت درج گزارشات کنفرانس را بر عهده داشت نوشت:

«سپاهیان ما دشمن را شکست داد، او را در جایش نشاند ولی در هر حال این جنگ خسارتهای زیادی نیز به ما وارد کرد. به نحوی که بدخشی از بخشهاي مناطق بورچالو را نیز که مورد مناقشه نیز نبود از دست دادیم»

در تفليس از سوی چاپخانه دولتی کتابی تحت عنوان «تاریخ روابط ارمنستان و گرجستان در سال ۱۹۱۸»(شامل درگیریهای مرزی، مذاکرات، جنگ، صلح) انتشار یافت که در همین کتاب به جنگ مذکور، بار سیاسی داده می‌شد، همچنین ادعاهای ارمنستان فاقد پایه و اساس محسوب می‌گردید.

در کنکره «آرداباهان» که اوایل ژانویه تشکیل گردید، به موضوع سرنوشت بورچالو نیز اشاره گردید. شب ۱۸ ژانویه طی فراخوانی برگزاری کنگره که در «کارس» صورت گرفت ضمن اعلام «کارس» به عنوان مرکز حکومتی، جمهوری ترک در محدوده جغرافیایی بین «باتوم» تا «اردویاد» به وسعت ۴۰۰۰ کیلومتر مربع و با جمعیتی بالغ بر ۱۴۸ / ۷۶۳ ۱ نفر (شامل ۱۵۳۵۸۲۴ نفر ترک و ۲۳۷۳۲۴ نفر غیر ترک) تحت

عنوان «جمهوری ترک قفقاز جنوب غربی» تأسیس گردید. ولی هنوز چند ماهی از تأسیس آن نگذشته بود که انگلیسی‌ها، این جمهوری تازه تأسیس را از بین برداشت و مسائل و مشکلات بورچالو همچنان لایحل باقی ماند.

به دلیل بی‌اعتنایی ارمنیها به منافع آذربایجانیهای مقیم منطقه بورچالو در زمان تعیین سرنوشت آن منطقه و نیز درخواست آذربایجانیها مبنی بر داشتن حق تعیین سرنوشت به دست خودشان و بی‌توجهی به درخواست آذربایجانیهای مقیم بورچالو مبنی بر الحاق آنان به جمهوری آذربایجان که این بی‌اعتنایی، هم از سوی حاکمان گرجستان و ارمنستان و هم از طرف «آتنانا» صورت گرفت اعتراض شدید حکومت آذربایجان به مسائل فوق الذکر را به همراه داشت و این کشور ضمن به رسمیت نشناختن تصمیمات متخذه در مذاکرات صورت گرفته بدون حضور آذربایجان، مواضع آن کشور را به شرح زیر اعلام نمود:

«چنین اقداماتی منجر به بروز درگیریهای دائمی بین مردم شهر و روستا خواهد گردید.

راه حل ریشه‌کنی این درگیریها، تقسیم اراضی منطقه بورچالو به سه قسمت تنها بنابه درخواست و با موافقت اهالی ساکن و بر اساس ترکیب قومیتی میسر خواهد شد.

بر اساس همین موضع، حريم مرزی آذربایجان نسبت به گرجستان بايستی به شرح زیر تعیین گردد(با توجه به دلایل استراتژیک):

حريم مرز شمالی ناحیه تورکنشین و گرجی‌نشین بورچالو از کوه «یاغلیجا» تا مرزهای رسمی قدیمی مناطق بورچالو و تفلیس امتداد داشته و در نزدیکی منطقه‌ای بنام «سعخاری» به سمت شمال یعنی تا محل تلاقی رودهای «خرام» و «موخران» تغییر مسیر داده و در امتداد رودخانه «موخران» تا کوه «پالید داغ» (کوه بلوط) کشیده می‌شود این خط مرزی از آنجا تا کوههای «بکت» واقع در مرز منطقه «آخال گلک» با منطقه بورچالو به سمت غرب امتداد یافته و در محل آبریز سلسله کوههای «سولو»، منطقه تورکنشین محدود می‌شود.

به هنگام فراخوانی تشکیل کنفرانس قفقاز که قرار بود در روزهای ۲۴ و ۲۵ آوریل ۱۹۱۹ در تفلیس برگزار گردد، مذاکره در خصوص موضوع «بورچالو» نیز در دستور کار کنفرانس قرار گرفته بود. ولی به دلایلی از جمله حمله نظامیان تحت عنوان «نظامیان داوطلب» در داغستان و وجود اختلاف نظر و منافع در بین جمهوریهای سه‌گانه، کار کنفرانس ناتمام ماند.

... جنگ و اغتشاشات سیاسی موجب اذیت و آزردگی خاطر بورچالوها گردیده بود به نحوی که صبر و بردباری ساکنان منطقه به انتها رسید. و از سویی تمامی فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

به حالت رکود درآمده بود. دور از حقیقت نبود که یکی از چهار آذربایجانی عضو شورای ملی گرجستان بنام عبدالرحیم حقوقبردی یف (اعضاء شورا: علی حیدر قارایف، رئیس شورای ملی گرجستان، عبدالرحیم بیگ حقوقبردی یف رئیس پلیس شهرستان بورچالو، میرزا حسین حستزاده معلم مدرسه ابتدایی بخش آذربایجانی نشین شهر تفلیس و عزیز شریف که در ژانویه ۱۹۱۸ وارد تفلیس شده و در زمینه های سیاسی - اجتماعی، از نزدیک تشریک مساعی می نمود) در اجلاس شورا که در دسامبر ۱۹۱۸ تشکیل گردیده بود ضمن سخنرانی در جلسه کمیسیون فرهنگ پارلمانی گرجستان اشاره نمود که:

«...جنگ و مناقشات سیاسی موجب تعطیلی بخش وسیعی از
فعالیت مدارس تورکی زبان گردیده است».

تأسیس «منطقه بیطرف» با چشم پوشی از موجودیت و حضور ارمنستان در منطقه، موجب رنجش خاطر آذربایجانیهای مقیم در همین منطقه یعنی ناحیه «لورو» گردید.

بر اساس درخواستی که از سوی ساکنین ۶ روستا به تفلیس ارسال گردید آمده بود:

به: مجلس مؤسسان جمهوری گرجستان

از: علی قره قربان اوغلو، محمد حاجی یوسف اوغلو، رستم مصطفی اوغلو و دیلینچی ولی اوغلو نمایندگان اصلاح اهالی مسلمان روستای ایل مزلى، تازه کند، قاراقala، سویوق بولاغ، جوجه کند، بیرغان چای از توابع بخش لورو شهرستان بورچالو:

« تقاضاناهه »

«... ما مسلمانان بخش لورو از توابع شهرستان بورچالو به نمایندگی از سوی مردم دهگانه ساکن در بورچالو (به جز تعداد محدودی از ارمنیهای سیاست باز و غیر مسئول) صادقانه جدایی ناپذیری خود را از استان تفلیس و کل اراضی گرجستان چه در طول سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ و چه در سایر زمانها به قفقاز جنوبی و بعد هم مطابق رای نظر افراد جامعه‌مان، به جمهوری گرجستان تقدیم و اعلام نموده‌ایم. در همین آرا، ما نظر خود را در زمینه مسائلی از قبیل (۱) باقیماندن بدون واسطه منطقه لورو در حوزه اراضی استان تفلیس (البته تحت هدایت و سرپرستی استان تفلیس و کلاً زیر نظر سازمانهای دولتی) (۲) عدم العاق منطقه ما به منطقه تازه تأسیس ارمنی‌نشین «الکساندرو پول» - که خود و عموم اهالی متعدد می‌شوند در هیچ زمانی هیچ کاری با این منطقه نداشته و نخواهیم داشت (۳) حق تعیین سرنوشت بدست خودمان، به شکل کاملاً واضح و قطعی اعلام نموده‌ایم.

از اینرو چرا حکومت گرجستان تا به حال به مطالبات قطعی ما و نیز به موضوع حق تعیین سرنوشت توسط خود ما توجه لازم ننموده و این باعث شده منطقه لورو به همراه اهالی ساکن آن در اراضی دارای اختلاف با ارمنیها نگهداشته شود. این موضوع از هر جهت ما را در وضعیت بسیار بغرنجی قرار داده و راحتی و آرامش زندگی را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است. ما از نقطه نظر تمامی جوانب چه اقتصادی، چه سیاسی، چه معنوی و چه سایر جهات وابستگی کامل به تفلیس داشته و تحت هیچ شرایطی نمی‌توانیم از آن جدا بشویم. به همین خاطر علاوه بر درخواستهایی که قبلاً تقدیم نموده‌ایم، بر اساس شعار مردم این منطقه، مبنی بر تصمیم‌گیری توسط خود اهالی، خواهشمندیم حتی‌امکان در اسرع وقت نسبت به العاق بخش ما به استان تفلیس اقدام فرمائید.

این درخواست آرزوی تمامی اهالی ساکن در لورو از هر دین و ملیت می‌باشد.

ما شعار «تصمیم‌گیری به دست خود مردم» را عملی نموده و این موضوع را در نتایج آرای عمومی که خدمت شما ارسال نموده‌ایم اظهار داشته‌ایم. در عین حال سند شماره ۲ را که در خصوص شایستگی

الحق این بخش به تفلیس می‌باشد و در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۱۹ تنظیم گردیده تقدیم می‌داریم.»

امضاء نمایندگان

سنده مذکور توسط دیپرخانه مجلس مؤسسات جمهوری گرجستان در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ طی شماره ۱۵۷ ثبت گردید و هشت روز بعد در تاریخ ششم ماه مه در اجلاس مجلس مؤسسات مطرح و در خصوص موضوع نامه، تصمیم‌گیری به عمل آمد.

بله، به استثناء ارمنیهای فریب‌خورده، هیچ یک از اهالی «لورو» خواستار تجزیه شدن «بورچالو واحد» نبودند. این تقاضانامه در واقع فریاد و غریو نیمه دوم از همین قلب پاره پاره شده بود، در مقابل کسانی که آن را به دو تکه تقسیم نموده بودند.

زور و زورمداری رویش سیاه باد، مگر این زورمداری و قدرتمندی اعتنایی به فریادها دارد؟ مگر در مقابل آه و ناله، گوش شنوایی وجود دارد؟ «ایلمزلی» را با زور و حیله گرفتند، «تازه کند» را همچنین «قارالان» و «سویوق بولاق»، «جوچه کندی» را نیز با حیله و زور گرفتند.

تمامی این سرزمنها را از «یترغانچای» و از سرزمن اصلی و مادری آن یعنی بورچالو جدا کرده و کنندند. در این طرف، «یترغانچای» ماند و در طرف دیگر سایر مناطق ناله‌کنان باقی ماندند و اکنون ارمنیها بدون

اینکه زحمتی متحمل شوند روستاهای «ایلمزلی»، «تازه کند»، «قاراقala»، «سویوق بولاق» و «جوچه کندی» را تصاحب نموده‌اند، اهالی «یترغان چای» به علت واهمه‌ای که از ارمنی‌های قلدر دارند تمامی شب و روز را در تشویش و اضطراب به سر می‌برند.

آذربایجانیهایی که در ارمنستان و حاشیه‌های مرزی گرجستان از جمله در روستاهای «ساعاتلی»، «موغانلی»، «سلام علیک» و «سویون کند» سکوت داشتند نتوانستند در مقابل تجاوزات، گستاخیها، غارتگریها و فتنه‌انگیزیهای ارمنه تحمل نمایند و متأسفانه بدون هیچ گونه امیدی به اقدام تدافعی و حمایتی از سوی آذربایجان و گرجستان، پژمرده و خاموش گردیدند. اکنون آنان همچون دانه‌های تسبیحی که نخ آن پاره گردیده، متلاشی شده‌اند و قلب این سرزمین در میان کوهها تنها مانده است.

«شریف کریملی» روزنامه‌نگار در این مورد چه بحث می‌نویسد: «...نباید موجب شرم مهاجرین باشد که «یترغان چاییها» اکنون باید، هم به مردگان خویش گریه کنند و هم به مردگان آنان، هم عزت و احترام قبور مربوطه خود را داشته باشند و هم به قبور آنان احترام فائل شوند. از کجا معلوم، شاید هم یترغان چاییها جزو اولین کسانی هستند که از آب لاجوردی این کوهها آفریده شده‌اند و از اینرو می‌بایست تا آخر عمر تعصّب این خاک را داشته باشند».

۸- تجزیهٔ بورچالو

آری، حس غیرتمندی و شجاعت از تمامی حسها برتر و ارجح

می‌باشد.

خبری از مطیوعات به خاطرم افتاد:

ساکنین روستای یئرغانچای از توابع بخش «دمانیسی» گرجستان ۹۷۴۵ منات به صندوق کمک به ترفع آرامگاه، مکانی که در خیابان شهداء باکو قرار دارد، جمع‌آوری نمودند و از سوی معلمین و دانش‌آموزان مقطع متوسطه روستا نیز مجموعاً ۲۳۵ منات پول حواله نمودند، ملتی که خود در تنگنای شدید مالی قرار گرفته و با مرگ دسته پنجه نرم می‌کند، اینچنین خود را در غم و اندوه سایر مردم شریک دانسته و از ارائه هرگونه کمکی دریغ نمی‌نماید. متقابلاً مردم نیز موظفند که در درد و غم و تلخکامی اهالی «یئرغانچای» خود را شریک بدانند. و اکنون باید این موضوع اتفاق بیافتد، چرا که فردا دیر خواهد بود. عدم گستاخی از سرزمین آباء و اجدادی یعنی «بورچالو» خواست قلبی آذربایجانیهای ساکن در «لورو» بود، اما افسوس روزگار بی‌رحم، آنان را در انتظار رسیدن به این آرزو ناکام گذاشت.

... آذربایجانیهای مقیم لورو مجبور گردیدند که با چنین

تضاضانامه‌هایی به سازمانهای موافق با خواسته آنان روی بیاورند.

البته تضاضا نامه دیگری مشابه تضاضا نامه یاد شده در تاریخ وجود دارد که متأسفانه به دست ارمنی‌ها افتاده است. این نامه توسط اهالی

روستاهای لمبه‌لی، قوروچای، کورپولوی سفلی، کورپولوی علیا،
چیراقلی و آیریم نوشته شده و به مسئولین ارسال گردیده بود.
روستای «لمبه‌لی» همان روستایی است که پلی آنرا از روستای
ساداخلی از توابع بخش «مارنیلی» کنونی جدا می‌نمود.
این آبادیها قبلاً در یک ترکیب بوده و با همدیگر حشر و نشر
داشتند. مصرعهایی از شاعر لمبه‌لی «شاعر ولی» اکنون نیز ورد زبان
بورچالوها می‌باشد مثل مصرعهای زیر:

چؤلرینده تر چیچکلر بیترین

ائللرینده بیر ایگیدلر بیترین

بیر بیرینه خشیر خبر گتیرن

ساداخلینین قوی دیللری وار اولسون

«سرزمینی که غنچه‌های نورسی در صحراهای آن پرورش

می‌یابند».

«سرزمینی که جوانان برومند در ایلات آن رشد می‌یابند».

«سرزمینی که مردمان آن به همدیگر خبرهای خوش می‌آورند».

«بگذار که زیان مردمان ساداخلی زنده و جاوید باشد»

مگر خود نام «لمبه‌لی» که از طایفه «انسرلیک» که در قدیم الایام

در این روستا می‌زیسته‌اند گرفته شده است، گویای این واقعیت تاریخی

نیست که این منطقه وابستگی به عالم سورک داشته است. همینطور

روستاهای «کورپولوی علیا»، «کورپولوی سفلی»، «قوروچای»، «چیراقلی» و «آیریم» که در جوار «لمبه‌لی» واقع شده‌اند. واقعیت تاریخی این مناطق در مقاله مشترک «قیلمان اسماعیل‌اف» نامزد علوم تاریخ و «صفالی نظری» روزنامه نگار اهل «لمبه‌لی» تحت عنوان «ادبیات و هنرهای زیبا» که در ۱۸ ماه مه ۱۹۹۰ منتشر گردیده، اینگونه تبیین شده است:

(روستای لمبه‌لی (لمبه‌لی - ش.م) در آستانه بروز انقلاب به پایگاه لشگریان تورک، سنگر و دژی نفوذناپذیر در برابر «آندرانیک پاشا» ملقب به «قولاغی کسیک» و آمیخته تئاتر واقعی جنگ «داشناکها با منشویکها» تبدیل گردیده بود.

بله مصائب روستای «لمبه‌لی» که آمیخته تئاتر جنگ داشناکها با منشویکها بوده و منطقه لگدمال شده زیر چکمه‌های سربازان گرجی و ارمنی بود و همینطور سایر روستاهای همچووار این روستا، بسیار جانکاه و سنگین بود.

بو اویا لمبه‌لی می؟

درد آشکار، غم بللی می؟

گؤزلهمکدن کور اولدوم

بیر باخین، یار گلی می؟

«آیا مگر این روستای لمبه‌لی است؟»

«مگر درد و غم آشکار است؟»

«انتظار، چشمها یم را کور نمود.»

«بیینید آیا یار می‌آید؟»

این «بایاتی» سروده «عباس عبدالله» می‌باشد. بایاتی دیگر وی
چنین حامل غم و ماتم می‌باشد:

بوکند جلال او غلودو

بو يول گومرو بولودو

اوره ک سؤزله دولودو

دينديزمه ، قان آغلارام

«این روستا روستای جلال او غلود است.»

«این راه ، راه «گومر» است.»

«دلم پر از حرف و حدیث است.»

رهایم کن ، خون گریه می‌کنم.»

کم کم در بخش شمالی بورچالو، زندگی می‌خواست مسیر عادی
خود را داشته باشد. علی میرزا نریمانف با توجه به ریاست وی در
شورای ملی مسلمانان گرجستان، در راستای بهبود وضعیت مادی و
اجتماعی آذربایجانیهای بورچالو تدابیر مهمی اتخاذ نمود. از جمله به
دستور وی تدریس دوره ابتدایی در مدارس روستاهای آذربایجانی نشین
تداوم پیدا کرد. علیرغم اینکه حسن قابالوف، حسین افتادی یسف، یونس

افندی محمدزاده، زیاد شریف‌اوف، رستم شریف‌اوف، کریم اسماعیل‌اوف، ملا کاظم آخوندوف، سیف‌الله علیزاده و سایر معلمین خلق آذربایجان در شرایط دشواری به سر می‌بردند ولی در جهت تحصیل و تعلیم فرزندان آذربایجان از هیچ سمعی و تلاشی دریغ نمی‌نمودند.

آذربایجانیها در بخش جنوبی بورچالو و نیز در لورو در وضعیت سرگردانی به سر می‌بردند.

در چنین شرایطی رهبران دو همسایه گرجستان و آذربایجان به این نتیجه رسیدند که یک دست صدا ندارد و باید متحد بود. از این رو در ۱۶ ژوئن ۱۹۱۹ پیمان اتحاد نظامی منعقد نمودند. بر اساس این پیمان، طرفین متعهد شدند چنانچه استقلال یک یا هر دو این کشورها از خارج مورد تعرض قرار گرفته و مصونیت این دو کشور در معرض تهدیدات خارجی قرار بگیرد، در این صورت با استفاده از توان رزمی تمامی نیروهای مسلح خود، در مقابل، آنان نیز اقدامات نظامی به انجام خواهند رساند.

مدت زمان این قرارداد که در بر دارنده تمامی خصوصیات دفاعی بود سه سال تعیین گردیده و امضاء کنندگان آن عبارت بودند از: «فتحیج کوری» وزیر امور خارجه گرجستان، «رامش ویلسی» وزیر جنگ گرجستان، ژنرال «مایورقدنهانوف» دستیار وزیر جنگ و ژنرال «اودبشه لیدزه»، و از آذربایجان «جعفرروف» وزیر امور خارجه آذربایجان،

مهما نداروف: وزیر جنگ آذربایجان، ژنرال «مایور سولگویچ» سرفارانده قرارگاه آذربایجان. پس از مدتی مقرر گردید در ازای اعزام افسران گرجی و ارسال اسلحه و مهمات، توب جنگی و سایر تجهیزات نظامی به آذربایجان، و از سوی آذربایجان هم نفت و فرآورده‌های نفتی به گرجستان تحويل شود. طبق توافق طرفین، نماینده نظامی باکو به تفلیس آمد و تعداد ۱۲ اراده توب سبک، ۱۲ اراده توب سنگین، همراه با مقادیری گلوله‌های توب از هر دو نوع، ۳۰۰۰ قبضه تفنگ، ۲۱۱ نفر توپچی و دسته شمشیرزنی اسب سوار، ۷۹۵ قبضه نیزه، بیش از ۲۴ قبضه مسلسل سنگین، آشپزخانه صحرابی و سایر تجهیزات نظامی دیگر از سوی تفلیس به وی تحويل و به باکو ارسال گردید.

قابل توجه اینکه در بند ۱۰ همین توافقنامه، دو هفته مهلت برای ارمنستان در جهت پیوستن به این معاهده صلح، در نظر گرفته شده بود لیکن نه تنها این کشور به پیمان یاد شده ملحق نگردید بلکه برعکس با «دنیکین» به صورت مخفیانه ارتباط برقرار نمود، نیروهای نظامی خود را به سمت «قاراباغ» و «دلیجان» گشیل نمود. خیانت ارمنستان و هر آن احتمال حملات نظامی مورد انتظار از سوی این رژیم، موجب استحکام، همبستگی و اتحاد گرجستان- آذربایجان می گردید. پس از کنفرانس آذربایجان- ارمنستان که در دسامبر ۱۹۱۹ تشکیل گردیده بود، ابتکار آذربایجان مبنی بر تشکیل اتحادیه جمهوریهای قفقاز جنوبی به دلیل ادعاهای ارضی غیر واقعی ارمنستان محقق نگردید.

Соглашение между Грузией и Азербайджаномъ.

1. Для засвидетельствования соглашения выступают представители обеих государственных складок и военных представителей противостоящего азербайджанского правительства или территориальной администрации национализированной империи или обеих дагестанских республикъ.

Приложенные къ соглашению параграфы, въ которыхъ выражены взаимные заявления на счетъ еще не оконченныхъ террористического размежевания и территориальныхъ разногласий, не распространяются на пограничные "войводы", възникнувшие на счетъ еще не оконченныхъ террористического размежевания и территориальныхъ разногласий.

2. Если какое либо соглашение будетъ составлено, во время уже открытия оставшись въ 1916 военными войсками находящимися на одномъ или обеихъ сопредѣльяхъ съ целью разрешения путемъ оружия вооруженныхъ споровъ, то такое государство приложитъ възможную староту.

3. Несмотря на соглашение о контрактномъ характерѣ, въ него для обеихъ сторонъ не включаются контракты, бывшіе предметомъ соглашений, объемъ которыхъ или открытие которыхъ воинска дѣлается, по другимъ договорамъ, възаимно стороны не обменяютъ изъ этого възможныхъ дѣлствий.

4. Договорившиеся стороны не вступаютъ въ военные союзы съ противникомъ, разрывъ путемъ соглашения или приобретаютъ, уничтожающими другого приводятъ контрактные соглашения въ действие для обѣихъ сторонъ.

5. Наступление соглашения възьмутъ срокъ въ 3 года. Въ годы до истечения этого срока каждой изъ сторонъ възаимно стороны предоставляемъ право заявить о своемъ желании продлить его на новый срокъ, или обѣ стороны могутъ соглашениемъ въ исходе трехъ летъ прекратить действие соглашения.

6. Договорившиеся стороны обещаютъ поддерживать и вести дипломатические переговоры, подразумевающие въ срокахъ взаимности и съвероятныхъ признакахъ государства.

7. При наступлении условий, указанныхъ въ §§ 1 и 2 изъ, договаривающиеся стороны обязаны не позднее сорока дней.

8. Договорившиеся стороны обязуютъ не ввязываться воинскими конфликтами съ другими государствами безъ предварительного согласия съюзника.

9. Если до истечения срока, указанного въ § 6 изъ, подастся жалоба, гарантующая восстановление въ первоначальномъ правахъ всѣхъ государствъ, въключая въ ее составъ, то обе стороны, въступивши въ силу дагестанскихъ договоровъ въ зону въздѣйствия, дающе соглашение уважаютъ съюз.

10. Третьей заключаемой республикой—Арменией представлена просьба изъ 2-хъ индѣйскихъ срока до дня Февральского соборного губернатора заявить о своемъ согласии помочь въ этомъ союзѣ.

11. Общая ратификация происходитъ въ гор. Баку въ засѣдѣніи земельного органа со днемъ подписания.

12. Исполнение соглашения осуществляется въ духѣ подчиненности Министра иностранныхъ делъ Грузии Генералорадио, Военному министру Генералитету, Помощнику военного министра генерал-майора Гебелю, Генералу Обороны.

Министръ иностранныхъ делъ Азербайджанской Республики М. Ю. Джаббаровъ, Военный министръ Меликандировъ, Начальникъ генерального штаба генерал-лейтенантъ Сулакянъ.

Города Тифлосъ, Тифлъ-Маватъ-богъ Агентственного газеты, Домъ местеческаго дѣла.

در آن زمان ، روزنامه ارمنی زیان «آراج» (اولین) که در ایروان

چاپ و منتشر می شد نوشت:

«مساوat از یک سو خواهان ایجاد دوستی آذربایجان با ارمنستان می باشد و از سوی دیگر نیمی از ارمنستان شامل «قاراباغ»، «زنگنه زور»، «ناخچیوان» و «شورو» را بخش لاینک خود می پندارد. بر اساس نظرات سوسیال دمکراتهای گرجی، ارمنستان به شرطی می تواند با گرجستان روابط دوستانه برقرار نماید که «لورو» و «آخال کلک» را به آن کشور (گرجستان) باز پس گرداند در صورتیکه اگر ارمنستان این اراضی را از دست بدهد شبیه یک ساختمان نیمه تمام خواهد بود.

روزنامه «ساکارت ونلو» چاپ گرجستان در مقابل مطلب فوق

چنین پاسخ داد:

«... مگر مناطق «لورو» و «آخال کلک» جزیی از خاک ارمنستان می باشند که بدون وجود آنها، تصور کشوری به نام ارمنستان ممکن نباشد؟».

گزیده ای از کتاب «کراسنا یا کنیگا» اثر «کاری بی» که در سال

۱۹۲۰ در تفلیس چاپ و منتشر گردیده است:

«داشناکها آمدند، دشمنی و عداوت ملی را پدید آوردند. مسلمان در این زمینه به غیر از ایجاد کشت و کشتار بین ارمنیها و آذربایجانیها و یا ایجاد جنگ بین ارمنستان با گرجستان چیز دیگری عاید او نمی شد».

گزیده‌ای از گزارش کمیتهٔ ویژه تحقیق جنگ در خصوص علل

بروز جنگ در منطقه بورچالو:

شرایط حاکم بر زندگی اهالی بورچالو دلیل وقوع جنگ و قیام مردم نبود بلکه به خاطر تبلیغات سوء‌بسیار شدیدی بود که از سوی ارمنیها مبنی بر اینکه گرجستان اراضی ارمنستان را جزئی از خاک خود به حساب می‌آورد، باعث بروز جنگ گردیده بود.

در طول سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۹، هرج و مرج بار دیگر در منطقه بیطرف حاکم گردیده بود، بدین سبب مجلس مؤسان گرجستان، در دسامبر ۱۹۱۹ قانون «تقویت ارتش مردمی در ناحیه بیطرف منطقه بورچالو و در ماه فوریه ۱۹۲۰ نیز قانون «ایجاد ارتش مردمی در راه آهن ناحیه بیطرف» را وضع نمود.

در این دوره هم روابط دو کشور آذربایجان و گرجستان سیر طبیعی خود را طی می‌نمود. در جهت تقویت مناسبات فیما بین دو کشور، پیمان مورخه ۱۲ ژوئن ۱۹۲۰ که در «آگستافا» بین جمهوری سوسیالیستی آذربایجان و جمهوری خلق گرجستان منعقد گردید، نقش بسیار اساسی را ایفا نمود. بدین منوال «ناحیه بسی طرف» بورچالو که مدهای مدیدی توسط انگلیسها اداره و محافظت می‌گردید، عاقبت آنها

تجزیه بورچالو ۸۹

نیز به تنگ آمده و با عنوان اینکه محافظت از این ناحیه چه اهمیتی به ما دارد؟!، آنجا را ترک نمودند. بروز این وضعیت بفرنج در بورچالو، پدید آمدن فئودالیته، زورگویی، قحطی و تورم را سبب گردید.

«محمد رضازاده» مخلص به. محقر شاعر دلسوزخته، مردمی و زجر

کشیده اهل روستای «کولاگیر» بورچالو این چنین می‌سرود:
گیرونه که قوروت چوخ باهادیر یوخدور آلانی

بیر بایدا قاتیق یوزجه مانات الده اولانی

قایماق کی گئرونمز، گئرهنین آغزی سولانی

آیران گزیرم، تاپمایرام یوخدو یالانی

القصه بو دئوراندا اولانین حالی یاماندیر

دوکانا قارو وول چکیرم، حقه عیاندیر

میرزه ملا رضا افغانی مترجم

ایل شعر لری

پادشاهی:

سید ملا رضا افغانی

بودجه هفت کولاگه کاربرد



قیمت ۲۵ سنت

میرزه ملا رضا افغانی مترجم

۱۹۲۰ • ۱۳۰۰

کتاب شعر محمد رضازاده (محقر) از شعرا مشهور بورچالو
که در سال ۱۹۲۰ در تقلیس چاپ و منتشر شده است.

توضیح: این ابیات برگرفته از کتاب «ائل شعرلری» (شعرهای ایل) سروده محمد رضا (محقر) می باشد که در سال ۱۹۲۰ توسط چاپخانه «شرق» در تفلیس چاپ و منتشر گردیده است. و یادآوری نمودیم که انتشار کتب من جمله همین کتاب محقر و روزنامه های «گله جک» (آینده)، «آل بایراق» (پرچم سرخ)، «یتنی دونیا» (جهان نو) که به زبان آذربایجانی چاپ و منتشر می شدند و نیز مجموعه های ادبی «تارتان- پارتان» (چرند و پرنده)، «گنجلر یوردو» (سرزمین جوانان) و «وطن» همچنین گروهای تئاتر «عبارت» و «اتحاد» که فعال بودند، در راه پیشرفت و اعتلای فرهنگ و ادبیات کشورمان اقدامات و کارهای مهمی صورت می دادند.

در روزنامه «یتنی دونیا» (جهان نو) به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۲۰

می خوانیم:

«جمعه قبل رفیق «عزیز شریف» رئیس فرقه «همت» گرجستان به حضور رئیس حکومت گرجستان، «نوئه ژوردانیا» شرفیاب گردیده و نامه ای در خصوص مسلمانان گرجستان تقدیم ایشان نموده است. در این نامه، عزیز شریف خواستار مساعدت دولت گرجستان در امور مدنی و فرهنگ تورکهای گرجستان شده است و اعلام نموده که این کمکها باستی در محورهای زیر باشد:

(۱) تأمین ۵۰ نفر معلم تورک‌زبان که فارغ‌التحصیل مدارس عالی (دانشگاهها) باشند و دعوت به هر نحو ممکن از آنان جهت اشتغال.

(۲) احداث مجتمع بزرگ فرهنگی - هنری جهت استقرار گروههای تئاتر و سایر گروههای فرهنگی - هنری تورک‌زبان شامل سالن تئاتر، مدرسهٔ ملی دارالفنون، سالن مطالعه، کتابخانه و غیره در محله «ورونسوف» شهر تفلیس.

(۳) مساعدت در چاپ و انتشار روزنامه و کتاب به زبان تورکی ... در سپتامبر ۱۹۲۰ نیروهای نظامی تورک تدریجًا «گومرو» و قاراکلیسا را تصرف نمودند و به نزدیکی ناحیه بی‌طرف لورو رسیدند. حکومت داشناکها از حکومت گرجستان درخواست کمک نمود. روز سیزدهم نوامبر ۱۹۲۰ معاہده سازش بین دو کشور گرجستان وارد ارمنستان منعقد گردید و به دنبال این معاہده قشون گرجستان وارد ناحیه بی‌طرف گردید. سپس طی توافقی که بین گرجستان و ارمنستان صورت گرفت، مسئولیت نظارت بر «ناحیه بی‌طرف» به مدت سه ماه مؤقتاً به نیروهای نظامی گرجستان سپرده شد.

در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰، شورای حکومت ارمنستان تشکیل گردید. بولشویکهای ارمنی که به روسها و ارتش روس متکی بودند، بار دیگر زبان باز کرده و یادداشت‌هایی را به تفلیس ارسال نمودند، آنان در این یادداشت‌ها، مجبور نبودن داشناکها به توافق با شورای حکومت

ارمنستان را اعلام نموده و از گرجستان نیز خواستند که دست از «لورو» بردارد.

گرجستان با توجه به اینکه در میان سه جمهوری شوروی قرار داشت و از شمال توسط روسیه، از شرق توسط آذربایجان، و از جنوب توسط ارمنستان احاطه گردیده بود، در وضعیت بسیار بدی قرار گرفت. در هر حال عوامل موازی مؤثر در این قضیه را به صورت منطقی و صحیح مورد روشنگری قرار می‌دهیم. یکی از مهمترین عواملی که باعث تحقق نقشه الحاق آذربایجان و هم گرجستان به روسیه شوروی و هموار نمودن نابودی استقلال ما می‌گردید، استفاده روسیه از موضوع دشمنی ارمنستان با دو کشور آذربایجان و گرجستان بود.

نظیر آنچه که در اوایل سال ۱۹۲۰، ارمنیهای ساکن در قاراباغ قیام نمودند و این قیام بهانه‌ای شد تا لشگر روس با توصل به زور وارد خاک آذربایجان شود، یکسال بعد یعنی شب ۱۲ فوریه ۱۹۲۱ روسناهای ارمنی‌نشین در لورو نیز دست به قیام و شورش زدند.

در طول چند روز، منطقه بورچالو از وجود نظامیان منشویک پاکسازی گردید، این اقدام در واقع توطئه‌ای جعلی و از قبل طراحی شده بود تا گرجستان به امپراتوری شوروی ملحق شود. بدین صورت تمامی شروطی که روسیه شوروی را وادار می‌نمود تا مطابق پیمان ۷ ماه مه ۱۹۲۰ که بین آن کشور و گرجستان منعقد گردیده بود و بر

اساس آن استقلال و آزادی گرجستان توسط روسیه به رسمیت شناخته شده بود، منسخ و ساقط گردید.

فوریه همان سال سربازان برولتاریا گرجستان را مورد حمله قرار دادند و بدین ترتیب گرجستان نیز به اتحاد شوروی پیوست.

بر اساس سندي که به امضاء کمیته انقلاب گرجستان رسید اظهار نظر پرآمون این موضوع که آیا بورچالو متعلق به آذربایجان باشد یا گرجستان؟ بر عهده خود اهالی بورچالو واگذار گردید.

کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (بلشویکها) در اجرای بند ۲ قرارداد ماه مه بخش ویژه‌ای جهت سر و سامان دادن به مشکلات مریوط به اراضی فقفاز جنوبی تشکیل داد.

از تاریخ ۲۵ لغایت ۲۷ ژوئن ۱۹۲۱، هیئت مذکور تشکیل جلسه داد. این جلسه که به ریاست «کیروف» تشکیل گردیده بود، از گرجستان: «آ.سوانیدزه»، «تسودری آ» و «عمر فایق»، از آذربایجان: «م.حسین اوف»، «م. حاجینسکی و آ. رسول زاده و از ارمنستان هم: «آ.بکزادیان» و سایر افراد دیگر حضور داشتند.

در اولین روز اجلاس هیئت نمایندگی ارمنستان ضمن تأکید بر تعلق اراضی، جنگل و سایر منابع دیگر به آن کشور به دنبال انعقاد قرار داد مارس ۱۹۲۱ بین روسیه شوروی و ترکیه، در عین حال نسبت به رسمیت شناختن آن کشور به عنوان یک واحد سیاسی مستقل

یادآوری نمود و اقدام آذربایجان و گرجستان مبنی بر چشم پوشی از اراضی مذکور در جهت هماهنگی و همدلی و به نفع ارمنستان را گامی در جهت رسیدن به مقصد تلقی نمود.

در این اجلاس مسئله ناحیه بی طرف لورو به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت به نحوی که نماینده ارمنستان، الحاق کامل این ناحیه را به ارمنستان خواستار گردید.

هیئت نمایندگی گرجستان نیز پیشنهاد نمود که این ناحیه از نظر مدیریت به دو قسمت تقسیم شود. مدیریت بخش شرقی ناحیه به دست ارمنستان و مدیریت بخش غربی آن هم بر عهده گرجستان واگذار گردد. در دومین روز اجلاس که در تاریخ ۲۶ ژوئن تشکیل گردید مذاکرات ادامه یافت و هیئت نمایندگی گرجستان پیشنهاد تازه‌ای را درخصوص «ناحیه بیطرف» مطرح نمود. بر اساس این پیشنهاد ارمنستان می‌باشد از بخش شرقی ناحیه بیطرف چشم پوشی می‌نمود و سرنوشت بخش غربی نیز به رفراندوم عمومی اهالی ساکن گذاشته می‌شد که ارمنستان این پیشنهاد را نپذیرفت.

در سومین روز اجلاس یعنی ۲۷ ژوئن، به علت عدم حصول نتیجه، مذاکرات و مباحثات اعضا کمیته متوقف و حل مسائل بحث‌انگیز مذکور بر عهده اداره فफقاز گذاشته شد. در ۷ جولای ۱۹۲۱،

(ر.ک.(ب) ف.م.ک) (R.K.(B)F.M.K) اداره قفقاز با مشارکت

استالین در ارتباط با مسائل مرزی گرجستان و ارمنستان گفتگو نمود.

استخراج شده از پروتکل اجلاس مذکور:

عنوان موضوع مطروح:

۱) موضوع الحق «ناحیه بیطرف» لورو به گرجستان و یا ارمنستان

متن پیشنهادی:

کل «ناحیه بیطرف» به ترکیب اراضی ارمنستان الحق می شود

رأی گیری: موافق: ۱ رأی

مخالف: ۱ رأی

(تصویب شد) (۱)

این سند همچنانکه در روزنامه «مناتوبی» (چراغ) به تاریخ ۷

نومبر ۱۹۸۹ توسط مورخ «الکساندره موجیری»، نیز به چاپ رسیده

نشان می دهد که چگونه چنین مسئله بسیار پیچیده‌ای با یک رای موافق

حل می گردد. حتی حد نصاب رأی نیز در نظر گرفته نمی شود.

متعاقب موافقت اداره قفقاز با این مصوبه ، در تاریخ ۱۶ جولای

۱۹۲۱، اجلاس ویژه اداره سیاسی تازه تأسیس ک.ف.م.ک

(K.F.M.K) گرجستان تشکیل و مقرر گردید:

«مصطفیه الحق این «ناحیه بیطرف» (لورو) به ارمنستان شوروی

توسط «ر.ک.(ب).ف.م.ک» (R.K.(B)F.M.K) اداره قفقاز مورد تائید

قرار بگیرد. (ماخارادзе و اوراخیلاش ویلی به این مصوبه رأی موافق دادند، مدیوانی تصور نمود که این موضوع مطابق مصوبه اداره قفقاز بطور کامل حل گردیده است: اگر این چنین نمی‌شد، اداره قفقاز می‌بایست که نظر خواهی از اهالی ساکن را مد نظر قرار می‌داد» (۲) در کنگره «ک.ف.م.گ.» گرجستان که در مورخه سوم آگوست ۱۹۲۱ تشکیل گردید موضوع «لورو» مورد بررسی قرار گرفت. مصوبه این کنگره در این سند منعکس گردیده است:

پروتکل شماره ۲۸

اجلاس اعضای «ک. ف . م.ک» (K.F.M.K) گرجستان - ۳

آگوست ۱۹۲۱

اسامی شرکت کنندگان عضو «م.ک» (M.K) : اوراخیلاش ویلی، اوکوجاوا، نازارتیان، ماخارادзе، مدیو آنی، سینس آذه، ائلی آوا، کاوتارادзе، توروشلیدزه، تومانوف، دومبادze.

سایر افراد غیر عضو شرکت کننده در اجلاس: سولوویان، رت ولادزه، لقران، کالادزه، کاندلاتی، اوراخیلاش ویلی، فیقات نر، قوغوبریدزه.

موضوع برای رای گذاشته شد:

۴) موضوع «ناحیه بیطرف» لورو:

مصطفی:

۱) مطابق مصوبه اداره: قفقاز، تصمیم دفتر سیاسی (دفتر سیاسی «ک.ف.م.ک» (K.F.M.K) گرجستان مد نظر می باشد - ش.م) مبنی بر الحقق «ناحیه بیطرف» به ارمنستان به رأی گذاشته می شود.

تعداد آراء: ۵ مخالف ۴ رأی

۲) با توجه به اینکه به هنگام مذاکره بر سر ناحیه بیطرف در دفتر قفقاز، رای و نظر «ک.ف.م.ک» (K.F.M.K) گرجستان مد نظر قرار نگرفته است از این رو درخواست مذاکره مجدد این موضوع از دفتر قفقاز صورت بگیرد. م.ک (M.K) از جانب خویش برگزاری رفاندوم در ناحیه بیطرف مذکور را ضروری می شمارد.

تعداد آراء: ۵ رأی ، مخالف ۵ رأی (همزمان با بررسی نتایج حاصل از مذاکرات در م.ک (M.K) ، دفتر سیاسی نیز معرفی می گردد). (۱)

نهایتاً در بیانیه‌ای که در تاریخ ششم نوامبر ۱۹۲۱ به امضای «بودو مدیوانی» رئیس کمیته انقلاب گرجستان، رئیس شورای کمیساریای خلق ارمنستان و الکساندر میاسنیکوف (میاسنیکیان) کمیسر امور نظامی خلق رسید خطوط مرزی گرجستان با ارمنستان مشخص گردید. بر اساس این سند، ناحیه «لورو»ی بورچالو به جمع ارمنستان شوروی پیوست.

و سعت اراضی بخش منطقه بورچالو یعنی لورو- ورونسووکا که توسط بولشویکها به ارمنیها اهداء گردید، بالغ بر ۲۳۶۷۴۳ کیلومتر مربع و علاوه بر آن و سعت دامنه‌های شمالی سلسله کوه «لوک- لل ور» نیز ۲۰۷۹۴ کیلومتر مربع بود.

با آمدن حکومت شوروی، آذربایجانیهای مقیم بورچالوی تجزیه شده بار دیگر تحت ظلم و فشار ارمنیها قرار گرفتند.

عمر فایق نعمانزاده که به عنوان یک رهبر جدایی طلب که خواستار الحاق منطقه آخال سیخ گرجستان به ترکیه بود، به زندان افتاده بود پس از تشکیل حکومت شوروی از زندان آزاد و به عضویت کمیته انقلاب گرجستان درآمد، وی که بعداً به ریاست شورای امور مسلمانان گرجستان انتخاب گردید، در ۱۴ ژوئن ۱۹۲۱ طی نطقی در اجلاس کمیته انقلاب گرجستان که با موضوع «بررسی وضعیت منطقه بورچالو» تشکیل گردیده بود، ضمن ارائه گزارشی از وضعیت مسلمانان بورچالو اظهار داشته بود:

«تمامی استنادی که خود من گردآوری نموده‌ام، بیانگر این واقعیت می‌باشد، علیرغم اینکه ۸۰ الی ۸۵٪ اهالی ساکن در بورچالو را مسلمانان تشکیل می‌دهند ولی هیچ توجهی به آنها نمی‌شود، حتی یک نفر از این مسلمانان هم در ترکیب اعضای کمیته انقلاب منطقه بورچالو و شعبات آن حضور ندارند، حتی در شعبه خاک.

تمامی منطقه بورچالو به تنهایی صحته صفات آرایی دو اردو در مقابل هم بود: یک طرف اردوگاه را اقلیتی که شامل آلمانیها، ارمنیها، آشوریها، ملاکانها، گرجیها و یونانیها بود، مدیریت این منطقه را بر عهده داشتند و طرف دیگر را اکثریتی که شامل هزاران نفر از توده مسلمانان بود تشکیل می‌دادند و تحت حاکمیت اقلیتها قرار داشتند.^(۱) همزمان ناحیه مرکزی بورچالو نیز در انتظار سرنوشت خود بود. در بخشی از کتاب «جمهوری آذربایجان» اثر محمدامین رسولزاده که به مسائل همین عصر پرداخته است می‌خوانیم:

«جنگی که بر علیه گرجستان صورت گرفته بود عاقبت منتج به صلح گردید. در این صلح که تهدیدکننده گرجستان بود و مجری آن حکومت بلشویک آذربایجان بود، با توجه به توافق موجود بین حکومت «مساوات» و «منشویک» گرجستان، حل قطعی مسئله مدنظر بود سرزمین بورچالو بدون شک و تردید به گرجستان واگذار گردید و در مورد اراضی زاقاتال که گرجیها تعلق دیرینه آن منطقه به آذربایجان را قبول و تأیید نموده بودند فرمول بحث و مذاکرات را قبول کردند. حکومتی که ظاهرآ در جهت منافع سیاسی آذربایجان، جنگ را شروع نموده بود در نهایت، با اهداء بخششایی از مملکت، صلح برقرار می‌نمود. و در توجیه آن ادعا می‌شد که مرز و حدود برای کارگران

تجزیه بورچالو ۱۰۱

بی معنی است. روسیه بدون هرگونه دلیلی، عملأً اختلاف مرزی را مطرح می نمود. و الاً حقیقتاً چه اهمیتی برای روسیه داشت که یک منطقه متعلق به ارمنیها باشد یا ترکها؟! ...

هدف این بود که همگی اینها در اختیار روسیه باشد تا بدین ترتیب چنانچه اختلافاتی در میان موجود باشد، حل گردد. حال اگر در این ماجرا، مسلمانان مورد غفلت قرار گرفته و بازنده شوند، چه بهتر! در ۲۶ دسامبر ۱۹۲۲ بر اساس توصیه کمیته بررسی مسائل مرزی، شورای ساختگی اتحاد قفقاز جنوبی، قسمت «ورونس ووکا» را نیز به منطقه «لورو- پمبک» ارمنستان واگذار نمود.

بدین ترتیب در نتیجه سیاستهای «بین الملل گرایانه» و «تصمیم جمعی» بورچالو تجزیه شد. بورچالو قطعه قطعه شد، لورو پیش کش ارمنستان گردید.



بورچالو اینگونه تجزیه گردید

توضیح: سیاست بازان ارمنی که به دنبال به دست گرفتن «لورو» روحیه گرفته بودند، نیتها و افکار دیگری را به میان آوردند. طرح جدید آنها: الحاق بزرگترین بخش شهرستان «جاواخت» و یا «آخال کلک» به شهرستان بورچالو و ایجاد دژبانی مستقل ارمنی همینطور، اسکان

ارمنیها در دشت «قارایازی- شیرک» طرحهایی بود که روی کاغذ آورده شد.

... بدین ترتیب ارمنیها نیمه جنوبی بورچالو یعنی «لورو» را تصاحب نمودند . روسها با استفاده از حریبه تهدیدهای ساختگی بین المللی همچنانکه «زنگه زور» را به ارمنستان بخشیدند، بورچالو را نیز تجزیه و نیمی از آن را به ارمنستان الحاق نمودند قبل از آن هم در سال ۱۷۶۳ شاه گرجستان با کمک یونانیها «گوموش خانا»، «آلله وئردی» (به مفهوم خداداد) که توسط ایراکلی دوم بنیانگذاری گردیده بود، همینطور استراحتگاههای «شاملیق»، «آغ تالا»، «تامبولاٹ»، «قیزیل گوموش» و خاکهای حاصلخیز، کوههای مرتفع و چشمهای نیلگون و ... به ارمنستان واگذار نموده بود.

یکی از دو منطقه «حاماملى»، «بایدار» و «قارابوغاز»، «قاچاغان»، «ساروان»، «قمرلی»، «لمبه لى»، «آرمودلو»، «ایمیر»، «آغ بولاغ»، «ساراجلی» و ... در این طرف و دیگری در آن طرف باقی مانده، یکی از سه قسمت «ایلمزلی» و «قیزیل کلیسا» در این سو دو قسمت دیگر در آن سو ماند از چهار «سارال» سه «سارال» در این سمت و یکی در آن سمت باقی ماند، «کولاگیر» در این طرف، «کولاگیرن» در آن طرف، «آبدالی» در این سمت ، «آبداللار» در آن سمت، برخی از قلعه‌ها و

۱۰۴ تجزیهٔ بورچالو

صخره‌های «کوراوغلو» در این سو و برخی دیگر در آن طرف، «آغجاقالا» که از یادگارهای «دده قورقود» می‌باشد یکی در این سو و دیگری در آن سمت، «قوچولو قالاسی» در این طرف و «قوچوقالاسی» در آن سمت، بخشی از «آغری»، «ایری قار»، «دهلی داغ»، «لل ور» و «بابک ار» در این سمت و بخش دیگر (نیمه دوم) آنها در آن سو، «تاپان داغی» در این طرف و «تاپانلی داغ» یا (کوه تاپانلی) در آن طرف باقی ماندند.

و در توصیف بورچالو که برای ما از هر چیزی مقدستر می‌باشد و هر بخشی از آن و هر سنگ آن را از جسم و جاتمان عزیزتر می‌پنداشیم اینگونه می‌توان گفت:

بورچالوی تجزیه شده ...

... سخنان «ق. اسماعیل اف و س نظری» شدت سوز این دردها و آلام را به خوبی بیان می‌نماید:

«لمبه‌لی» قبل از پدید آمدن انقلاب ، همیشه تحت تسلط بورچالو بود. و بعدها در ترکیب آن قرار گرفت. پس از حاکمیت شوروی، این منطقه به همراه تعدادی از روستاهای آذربایجان که در

سمت راست ساحل رودخانه «تهوهتش» (یا رودخانه دبد فعلی) قرار گرفته بودند در ترکیب جمهوری سوسیالیستی ارمنستان واقع شدند... و از آن روز تا به حال هنوز هم که هنوز است منطقه فوق روی آرامش ندیده و روزگارش سیاه گردیده است.

لمبه‌لی با این وضعیت نابهنجار و اسفناکی که داشت، به محض اینکه خود را به سال ۱۹۸۸ رسانید، چشمانش را باز کرد و دید که شانس را از دست داده و با آوارگی و دربه‌دری، مهاجرت و ترک دیار مواجه گردیده است، از سرزمین اصلی دور افتاد و نهایتاً پس از به وجود آمدن محل سکونت تازه‌ای بنام «لمبه‌لی» در «قازاخ» این درد، تسکین پیدا کرد.^۱

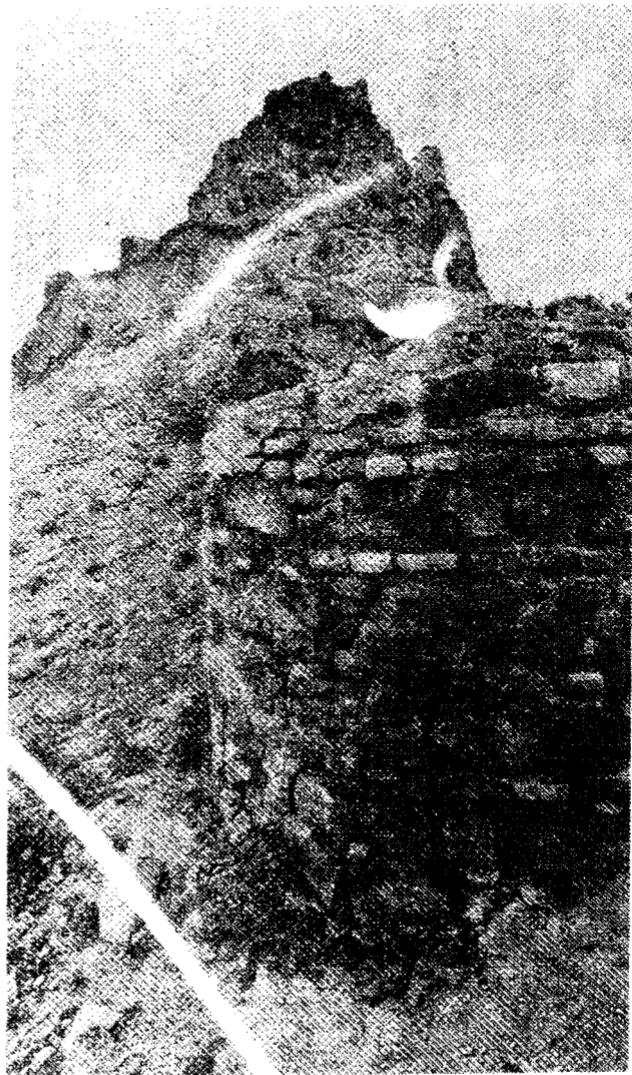
^۱ توضیح: در داستان کوتاه «لمبه‌لی و کوشما» (لمبه‌لی و نوکر) اثر «میخائل جواخیش ویلی» که از نشنویسان مشهور گرجی در قرن بیستم بوده و خود وی اصلاً اهل روستای «زیرک» یا (سیراک وی) بورچالو می‌باشد، موضوع آذربایجان در آثار خلق شده ایشان جایگاه بسیار مهمی دارد، در این کتاب قهرمانان داستان یاد شده یعنی مشهدی حسن و پدر ایشان مشهدی عزت از اهالی روستای «لمبه‌لی» بورچالو می‌باشد. نویسنده گرجی دوستی صمیمی و ناگستاخی موجود بین مشهدی حسن لمه‌لی که در غربت و در

شهر اورمیه واقع در آذربایجان جنوبی ساکن می‌باشد (در این استان همه مردم او را بنام «لمبهلی آیاماسی» می‌شناسند) را با پژوهشکی که گرجی بوده و بعدها به اینجا آمده، به تصویر می‌کشد. پژوهشک گرجی در مقابل این آذربایجانی سالم و صادق، به تمامی آذربایجانیها عشق می‌ورزد و در تمامی شادیها و غمهای آنان و در عروسیها و عزاداریها از نزدیک تشریک مساعی می‌نماید ولی اشخاصی نظری پیشکوپ پاول، ژنرال چونوزوف، کومن دانت، بریوزوسکی و لازارکوشان برای برهم زدن دوستی بین پژوهشک و لمبهلی هزار و یک حیله و ترفند به کار می‌برند. مشهدی حسن لمبهلی در راه این دوستی فدا می‌گردد. پدرش «عزت» انتقام وی را گرفته و نوکر را به جهنم واصل می‌کند. حامیان و هواداران نوکر نیز از این انتقام جان سالم به در نمی‌برند. حقیقتاً م. جاواخیش ویلی از رئالیستهای بزرگ می‌باشد وی می‌گوید:

در منطقه بورچالو آذربایجانیها و گرجیها همیشه اینگونه با مهر و عطوفت رفتار نموده‌اند و همیشه هم این مهورو رزی به بزرگترین درد در دل کینه ورزان و حسودان تبدیل گردیده است. دقیقاً مثل امروز.

در ادامه پاورقی یادآوری می‌نماییم که میخانیل جاواخیش ویلی با علاقه‌ای که به بورچالو داشت آنرا به عنوان «مینی زاقفازیا» یا (قفقاز جنوبی کوچک) نام نهاده بود. حقیقت این است که از قرنها پیش هر اتفاق و درگیری که بین ملت‌ها در این منطقه روی داده یا بین ارمنیها و ترکهای آذربایجانی بوده

و یا بین ارمنیها با گرجیها، همیشه هم این جنگها با به فتواهای ارمنیها صورت گرفته است. ژ.کانوسکی از مأمورین روسی در سال ۱۹۱۵ در کتابی که تحت عنوان «امین آقا بورچالینسکی» در شهر «تولا» چاپ و منتشر ساخته در خصوص دخالت ارمنیها در ایجاد جنگ و درگیری، به نکات با ارزش و با اهمیتی اشاره می‌نماید: در سال ۱۹۰۵ موضوع رو در روی هم قرار گرفتن ارمنیها - مسلمانان به بورچالو نیز سرا بر پیدا کرد و در آن تاریخ امین آقا آچالوف از معتمدین و ریش سفیدان محترم، سخنور و با نفوذ منطقه با کمک دوستان خویش از جمله، کیاز چاوچ اوادزه توانست با تدبیر خردمندانه و مصلحت اندیشی‌های معقول مانع کشت و کشتار و خسونریزی بین ملت‌ها (مسلمانان و ارمنیها) در مناطق «بولنیس- خاچین»، «بولنیس- کپنکچی»، «شوله ور»، «باش کئچید»، «بوس لبد» و ... بشود.



قوچولو قالاسى (قلعة قوچولو) شاهد تارىخى بورچالو

گزیده ای از کتاب ژ.کانوسکی:

«در اجتماع بزرگ ارمنیها و آذربایجانیها، کیا ز چاوه اوادزه حدود یک ساعت سخنرانی نمود. وی به حدی منطقی و زیبا سخن گفت که همه حاضران شگفت‌زده شدند و همگی نسبت به متوقف نمودن کشثار و جنگ قول مساعد دادند»

امین آقا به همراه بیست نفر از معتمدین و ریشن‌سفیدان قابل احترام منطقه به روستای بولنیس - خاچین رفته و ارمنیهای ساکن در آن روستا را به کلیسا دعوت می‌نمایند. ارمنیها در این کلیسا سوگند یاد می‌کنند که هیچ یک از کمیته‌های ارمنی را به رسمیت نخواهند شناخت و با آذربایجانیها کاری نخواهند داشت.

اظهار گردید که: ارمنیها در کلیسا سوگند می‌خورند که هیچ «کمیته ارمنی» را به رسمیت نخواهند شناخت. سخن در مورد مداخله مافیایی ارمنیها از بیرون و دستجات یا کمیته‌های ستیزه‌جو و جنگ طلب ارمنیها می‌باشد. در حالی که چنین کمیته‌هایی امروز نیز وجود دارد. آنان نمی‌خواهند دست از تحرکات شوم و زشت خویش بردارند. آیا مگر مسلح نمودن روستاهای ارمنی‌نشین بخشهای مارنیلی، تتریس کارو، بولنیس و دمانیس یا خرابکاری در راه آهن تبلیس - ایروان که از بخش مارنیلی می‌گذرد و یا ایجاد مزاحمت برای اهالی روستای سادا خلی، یا قتل یک مرد آذربایجانی به وسیله خودروی ارمنی در راه شوسه در نزدیکی روستای «آخلی له له» (که آذربایجانیها نیز در جهت تلافی این اقدام، دو نفر از ارمنیها را به قتل رساندند) یا

گروگانگیری آذربایجانیها در قصبه «شاومیان»، «روستای سادا خلی» و «داغت- خاچین» یا در وضعیت رعب و وحشت نگه داشتن روستای «یشغان چای» و سایر مزاحمتها، اثبات کننده حرکات شوم ارمنیها نمی باشد؟

در مورد اقدام فتنه برانگیز روزنامه «کمونیست» که به زبان روسی در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۸۹ در ایروان منتشر می شد (قولوس آرمنی بی فعلی) و از پخش «مارٹیلی» گرجستان که اکثریت جمعیت ساکن آن را آذربایجانیها تشکیل می دهند، تحت عنوان «مارٹیلی بخشی که دشمن کشور دوست، گرجستان می باشد» نام می برد، آیا به غیر از ایجاد تفرقه و دشمنی ارزیابی دیگری می توان کرد؟ بایستی بیدار باشیم، باید به وقت خود نیک را از بد تشخیص بدهیم، باید کسانی را که در پی گل آلوده نمودن آب صاف و زلال ما می باشند از نظر دور نگه داریم. ختم کلام، به جای اینکه به دنبال بیگانگان راه بیافتیم، حرکت در پیشایش ملت را برگزینیم.

چنین نقل می کنند که یک بار «عزیز نسین» را مکلف می نمایند که به شهر دیگری کوچ نماید. او در جواب می گوید: [اشکال ندارد] می روم و در آنجا دوستان جدیدی هم پیدا می کنم، ولی دشمناتم را چه کنم؟ آخر، نمی توانم بار دیگر آنها را به دست بیاورم. بینید من غبطه ایس مسئله را می خورم.

سرنوشت آذربایجان اینگونه رقم خورده است که با ارمنیها و گرجیها همسایه بشود. بالاخره چه بخواهیم و چه نخواهیم «سالورقازان» و کسانی که در سی روزی به کمک او می شتابند نظیر «دهلی دومروی»، «شمس الدین شیر» و

«قارابوداق» و نیز «شوکلوملیک» دشمن سرخست او غوزها و «آروز» که دسته تبر آن متعلق به ما می‌باشد نیز در اینجاست در بین ماست. نیاکان ما گفته‌اند: هزاران دوست کم است ولی یک دشمن بسیار. چه کنیم! مرد بدون دشمن نمی‌تواند باشد! وای به روزی که به گفته «شوتا روستاولی» کسی را که برای خود، دوست می‌پنداشتی، دشمن از آب درآید.

ارلر بوردو آغلاما ز،
ارلر بوردو ار اولا ر!

«سرزمین جوانمردان نمی‌گرید»

«سرزمین جوانمردان جوانمرد باید باشد». بهرام مهدی شاعر از زبان بورچالو چنین می‌سرايد:

«بو دونیادا در دیم مین دی
ده لی کتونول پئنه دیندی
میدان ایستر، آچام ایندی
قورشاق اوچون یارانمیشام...»

این هم سروده عثمان احمد اوغلۇ:

اگیلمزدی یاغى لارا قىيىمدى
آدى، سانى شەھرىيىمى، شانىيىمى
تارىخ بويو منىم اولوب، منىمىدى
قارايازىم، باش كىچىيدىم، بورچالىم.

... پس از این توضیح و پاورقی بلند، برمی‌گردیم به اصل مطلب، مساحت منطقه بورچالو در سالهای اولیه تشکیل آن یعنی در سالهای ۱۸۸۰، بالغ بر ۶ / ۵۷۸۵ کیلومتر مربع بود که در سال ۱۹۰۵ به ۷۸۷۰ کیلومتر مربع رسید. در سالهای بین ۱۹۱۷-۱۹۲۱ به ۴۳۶۰ کیلومتر مربع کاهش پیدا کرد و نهایتاً در سالهای ۱۹۲۵-۱۹۲۲ (که منطقه در سال ۱۹۲۹ به چند بخش تقسیم گردید) جمعاً به ۲۶۵۵ کیلومتر مربع رسید. یعنی بورچالوی مظلوم با گذشت زمان کوچک و کوچکتر شده است. به عبارتی می‌توان گفت که همزمان با پدید آمدن اتحاد جماهیر سوری، نصف به نصف تقسیم گردید به نحوی که یک نصف آن به گرجستان واگذار گردید و نصف دیگر ش به ارمنستان داده شد. در اینجا می‌خواهیم نوشته‌های روزنامه «آذربایجان» در سال ۱۹۱۹ را خاطر نشان نماییم:

«هدف نهایی و محور سیاسی ارمنیها این می‌باشد: خوشبخت نمودن خود به بهای بدبخت نمودن ملت ترک.».

خیلی وقت پیش، «زلیمخان یعقوب» شاعری از ذریه بورچالو طی مصاحبه‌ای که با روزنامه «جمهوری گرجستان» (سووئت گرجستان آن زمان) و «گرجستان» فعلی انجام داده بود، به حق گفته بود:

«آذربایجان در خارج از سرزمین آذربایجان دو چشم دارد، یکی «گؤچه» و دیگری «بورچالو» می‌باشد. یکی از این چشمان (بورچالو) را از حدقه بیرون آوردند و به خلق، به ملت، به خاک و به تاریخ خیانت کردند، خیانت بسیار وحشتناکی کردند، آن هم خیانتی که به اندازه کل تاریخ لائق لعن و نفرین می‌باشد».

به هنگام مطالعه این اظهارات نمی‌توان از درون گداخته نشد. این را هم به گفته‌های برادرم زلیمخان اضافه می‌نمایم که در حقیقت آن دو چشمی که زلیمخان اشاره نمود، هر دو متعلق به بورچالو بود. یکی در این طرف و دیگری در آن طرف مانده بود (خداآندا آیا با این تقسیم‌بندی، سرنوشت مردم ما رقم خورده است؟!) اکنون یکی از این دو چشمان را از حدقه بیرون آوردند و بورچالو با یک چشم مانده است.

به همین خاطر می‌گوییم:

بورچالوی زخم‌خورده ...

در سال ۱۹۹۰ کتابی که به اصطلاح نور آفتاب را به خود دیده بود تحت عنوان «دیدرگین‌لر» یا «آوارگان» به چاپ رسیده بود، مطالعه

سخنان «طاهر طالبی» از شاعران آذربایجان در این کتاب نیز بسیار متأثر کننده می‌باشد:

« سرزمین مادری من، بورچالوی کوه می‌باشد، ای هموطن من آنچه که تحت عنوان جمهوری ارمنستان در جهت دشمنی با من خلق گردیده، در واقع بخش کوهستانی منطقه بزرگ بورچالو می‌باشد. اراضی وسیعی که توسط سلسله کوههای احاطه گردید. این خاکی که در میان کوهها قرار گرفته و سرشار از جلگه و دشت‌های حاصلخیز و دره‌ها و بیلاقهای فراوان می‌باشد به نام سرزمین لورو نیز نامیده می‌شود. زبان زیبایی که امروز به صورت گسترده مورد تکلم ما قرار می‌گیرد و تحت عنوان «زبان لورو» نامیده می‌شود با نام این خاک پیوند خورده و عجین گشته است.

اگر گفته می‌شود که «به زبان لورو صحبت کن» منظور صحبت کردن به زبانی ساده و در عین حال زنده مردم می‌باشد. از آنجایی که سرزمینهای لورو متعلق به ایلات و ملت و مردم ترکان اوغوز می‌باشد. (که البته این موضوع از طریق قبور اوغوزها مورد اثبات قرار می‌گیرد) زبان لورو هم در اصل زبان اوغوزها و زبان «دده قورقود» می‌باشد.

لورو سرزمین بسیار بزرگی را شامل می‌شود، مرکز آن «جلال او غلو» (استپان او اوان فعلی) بوده، از یک سمت به «قارا کلیسا» (کیروف آکان) و از طرف دیگر به «گومرو» یا «لنین آکان» ختم می‌شود این منطقه چسبیده به سرزمینهای «آغ بابا» و «آمایاسی» بوده و همچون تکیه‌گاهی برای این مناطق محسوب می‌شود، لورو در قدیم منطقه کوهستانی بوده، قسمت جلگه‌ای آن «جان باخچا» نامیده می‌شود، روستا و زادگاه من نیز در همین «جان باخچا» می‌باشد. روستاهای «انولی» «قیزیل کلیسا» «ساری یال»، «دمیرچی‌لر» همچین دهات «موغانانی» و « ساعاتلی» از توابع «باش کچید» از روستاهای آباد منطقه «جان باخچا» می‌باشند. در واقع این مناطق روستاهای تابعه «بورچالوی کوه» می‌باشند که مشرف به جلگه و دشت پهناور هستند. به عبارتی این روستاهای کوهستانی، جزئی از بورچالوی مرکزی و بورچالوی دشت می‌باشند.

روستاهای «جان باخچا» در حقیقت محل ییلاق برادران و خواهران، پدران و مادر بزرگهای ما بوده و در دامنه‌های «ساروان» و سرزمین‌های «قازاخ» ساکن می‌باشند. من خود بارها شاهد اشکبار شدن چشمها «عباس عبدالله» به هنگام نقل کردن خاطراتی از دوران کودکی خویش در آن سرزمینها بوده‌ام. اکنون فقط نام این سرزمینها در

اشعار حزین شاعرانی همچون عیسی اسماعیلزاده، ایواز بورچالو و زلیمان بعقوب باقیمانده است.

آیا اشکهایی که از آن چشمها در یک عصر ارغوانی رنگ به هنگام یاد نمودن از آن سرزمین ها سرازیر می‌شد و همچون نهری راهی سرزمین بورچالو می‌گشت فقط متعلق به عباس، عیسی، ایواز و زلیمان بود؟

- خیر! بلکه متعلق به چشمان هزاران و صدها هزار نفر می‌باشد.
 آیا وقتی که سرزمینها و خاکهای پربار و حاصلخیز واقع در آن سوی کوه «لل ور» یا چشمه‌های مشهور به «سویوق بولاغ» یا «بنؤوش» درسی» یا (بویوک قایا)، «کمرقایا»، «قویماق داشی» یا ییلاق معروف به «قاراجا اوغلان» و «کوه دهلى داغ» نصیب بیگانگان می‌شوند، مگر مردم به این ستم گریه نمی‌کنند؟ مسلماً می‌گرینند!



ۋابىه، * [شىخاتقا لە يېڭىلىرى از دەدە قۇرۇقى دەزىدىنلىكى نەستىنى قوشىچىدا از توپانى بىر دەلەل

...«بینت گویوشوف» یکی از هموطنان غیور ما که ساکن گنجه می‌باشد، سخن زیبایی دارد:

«بورچالو شبیه سیب کاملی می‌باشد که در صورت زخمی شدن یک قسمت از آن، کل طعمش را از دست می‌دهد.»

در اینجا اظهارات دوست روزنامه‌نگارم «رشید حسین اوف» به یاد می‌افتد که می‌گفت:

«باور و اعتقاد بورچالو شمشیر او، عزم و استواریش سپر اوست و خشم و غضبیش هم گلوله آتشین او می‌باشد...»(۱)

برگی از صفحات کتاب پیچیده تاریخ

پس از اینکه نادرشاه در سال ۱۷۳۵ تفلیس را به تصرف خویش درآورد، اداره ایالتهای بورچالو و قازاخ را به «تیمور آز» شاه گرجستان واگذار نمود و در عوض پسر وی بنام «ایراکلی» را به امانت گرفت.

در سال ۱۷۴۳ از جوادخان که خواهان استرداد بورچالو (که از سوی نادرشاه به تیمور آز شاه گرجستان بخشیده شده بود) بود می‌پرسند:

- به چه علت شما تا به امروز تحت حاکمیت شاهنشاهی (کارتلی - کاخت) در شمس‌الدین و بورچالو قرار داشته و به این امر راضی بوده‌اید؟

پاسخ وی چنین بود:

«این اراضی قبلًا از سوی کسی به ما داده نشده بود که از طرف

فرد دیگری باز پس گرفته شود!»

مناطق شمس الدین، بورچالو، حدود ۶۰۰-۷۰۰ سال پیش محل

سکونت آباء و اجداد من بوده‌اند و اکنون نیز از آن مخواهند بود.

بدین ترتیب به دنبال اصرار و پافشاری جوادخان گنجوی و در

زمان حکومت خویش (سالهای ۱۸۰۴-۱۷۸۵)، منطقه بورچالو را به

حکومت ایلخانی گنجه بازگرداند.

با توجه به آنچه که «شفیقه حمیداوا» از مورخین آذربایجان [به

استناد مطالعات و تحقیقات علمی] به اثبات رسانده است. «کی اورگی»

دوازدهم به یک شرط راضی به برگرداندن بورچالو و شمس الدین به

خان گنجه بود و آن اینکه خان گنجه هر سال حداقل یکصد تومان به

عنوان باج به وی پرداخت نماید. ولی جوادخان همین سرزمین را خاک

آباء و اجدادی خویش می‌پنداشت و تحت هیچ شرایطی راضی به

عقب‌نشینی و پس دادن آن نبود.(۱)

سخنی بسیار قدیمی که از صدها سال پیش بر جای مانده

می‌گوید: (تورپاقدان پای او لماز) یعنی خاک بخشیدنی نیست!

علیرغم آگاهی از این حقیقت آشکار، منطقه بورچالو بخشیده شده

و روی هم رفته، نصف بورچالو بخشیده شده است. بورچالو با تمامی

۱۲. تجزیه بورچالو

آداب و رسومش و با تمام خاک و آب و هوا و اقلیمش و با تمامی ساکنین هم وطن و با تمامی وحدتی که داشت، تجزیه گردید. هر چه قدر که نقشه‌ها بریده شود اگر از این طرف به آن طرف، از آن سو به این سو خط مرزی کشیده شود، اگر پاره پاره بشود، ولی هرگز خاک تجزیه نخواهد شد، ملت تجزیه نخواهد شد، هموطنان و خاطر آنان تجزیه شدنی نیست! اگر نقشه‌ها بریده شوند ولی ما بریده و قطعه قطعه نخواهیم شد!

زمانی سادووسکی در کتابش تحت عنوان «سومومپک» (CMOMPK) در ص ۳۴۵ چاپ سوم سال ۱۸۸۳ پس از اینکه قارایاپاچهای بورچالو را مردمی جوان و با غیرت می‌نامد می‌نویسد: «آنان (قارایاپاچها) در حفظ دوستی و در صداقت و درستی، افراد شایسته‌ای می‌باشند، افرادی میهمان‌پذیر و خوش‌قلب و دست و دل باز می‌باشند».

آری در صداقت و حفظ دوستی شایسته‌ایم، مهمان‌پذیریم و خوش‌قلب و به آن اندازه که خوش‌قلب و دست و دل باز می‌باشیم به همان اندازه هم آشتی‌ناپذیر می‌باشیم. آشتی‌ناپذیر در مقابل کسانی که از این خوش‌قلبی ما سوء استفاده نکنند، در مقابل افراد ناحق و در مقابل بی‌عدالتی و ناحقی‌ها.

مانند گلایه «آی - هارای» جدمان (کوراوغلو) بورچالو ما هم امروز در عین حال که با وقار و متین میباشد، در برابر بسی حرمتی و خیانت مجبور به سکوت گشته است.

در بورچالو به کسانی که تعصّب خاک و غیرت میهنسی نداشته باشند، مرد گفته نمیشود.

تمامی آذربایجانیهای گرجستان که مثل مشت گره کرده قادرمند گردانگرد حرکت ملی بنام «غیرت» جمع گشته‌اند مخزنی از غیرت و شهامت میباشند! کل ساکنین بورچالو با غیرت و باشرف هستند، تمامی بورچالو همراه حرکت ملی «غیرت» میباشند.

در واقع «بورچالو» و «غیرت» به معنی و مفهوم متادفی تبدیل شده‌اند.

امروز آنچه که بورچالو حیات میبخشد، بالاتر از نان، آب، هوا و آتش، «غیرت» میباشد و بس.

جنبش «غیرت»، غیرت و شهامتان را به جوش و خروش میآورد. و به خاطر سرزمین مادری ما «بورچالو» دو سوگند بزرگ هم داریم:

بو تورپاچ حاقی «سوگند به این خاک»

بو یورد حاقی «سوگند به این سرزمین»

پایان سخن:

چنلى بىلده دومان، چن دير
 آندىمىز تورپاق وطن دير
 هر ايگىدلر هىمە بىندىر
 هوى دى، قوج كوراوغلو، هوى دى!
 هايدى، قوج كوراوغلو، هاي دى

ترجمه:

« چنلى بىل را مە و غبار فرا گرفته
 سوگىندمان بە خاک و وطن است
 هر يك از جوانان منتظر يك اشارەاند
 صدا بىزنى، كوراوغلوى دلاور صدا بىزنى
 زود باش كوراوغلوى دلاور زود باش»
 آرى، نااگاهانە و آگاهانە هر چە كە تا حالا شىدە، شىدە، گۈشتەھا،
 گۈشتە ئىنك بايستى از اين رويدادها، واقعىيئانە، درس گرفت، نتيجە
 گرفت، بايستى بە آينىدە فكر كرد.
 مثل شعرى اين مطلب در گوشم طينىن افكتىد:
 پارالانمىش بورچالى...
 يارالانمىش بورچالى...
 «بورچالوى تجزىيە شده ...»

«بورچالوی زخمی...»

و خدای من، قافیه دیگری بر زبانم آمد :

اور الانمیش بورچالو...

بورچالوی متورم شده ...

خوانندگان گرامی یقیناً مشاهده کردند که بخش عمدۀ از حجم

این کتاب را به استناد و مدارک اختصاص داده‌ایم زیرا که تاریخ، استناد مکتوب را می‌پذیرد. خوانندگان محترم به استناد این استناد معتبر یقین حاصل نمودند که در زمان حاکمیت مستقل دولتها یمان و جمهوری‌ها یمان، ارمنستان تنها با آذربایجان سر جنگ نداشت بلکه با گرجستان نیز جنگید. با همان سناریو و توسط کارگردانان مشابه. مشاهده جنگ امروز قاراباغ و حرام نمودن زندگی به مردم ما نیز مثل سناریوی مذکور و توسط همان کارگردانان صورت می‌گیرد. آنان منطقه زیبا و یکپارچه بورچالو را با تمامی جلگه‌ها و دشت‌های سرسبزش و با همه کوه‌هایش دریدند و بخش زخمی و دریده آن را تصاحب نموده و ساکنین اصیل و صاحبان اولیه آن مکان را از خانه و کاشانه‌شان فراری داده و آواره نمودند.

چه مطالبی که به ذهنم نمی‌رسند:

بورچالو - قاراباغ

قاراپاپاق - قاراباغ!

آیا مگر تجزیه منطقه یکپارچه قاراباغ ما با تمامی جلگه و دشت‌های زیبایش به بخش‌های قاراباغ کوه (داغ قاراباغ) و قاراباغ دشت (آران قاراباغ) و اکنون هم تصاحب مکارانه بخش قاراباغ، بیانگر سناریوی کهنه، آهنگ قدیمی و شعرسرازی کهنه نمی‌باشد؟

چرا ارزش درک عمیق آن را دارد، دارد، دارد. نبایستی از باد پیریم که «دشمن قوی است و اقبال و شانس ضعیف»

امروز تمامی ملت قاراباغ با هر قوم و مليتی در تشویش و نگرانی به سر می‌برند. چنین تصور می‌نماییم که این وضعیت به یک شب مهتابی مشابهت دارد، یعنی اینکه در پس این شب مهتابی، سپیدهدم هست و فردایی روشن. در پس آن، روشنایی و نور وجود دارد و در چنین وضعیت طوفانی و لحظه مهآلودی، می‌بایست متعدد باشیم، می‌بایست هشیار باشیم.

سرزمین بورچالو، سرزمین ازلی و ابدی ماست، سرچشم غیرت ماست، زادگاه «ساز» ماست. در این سرزمین برای کودکان لالایی را با نوای غیرت و با نغمه ساز می‌خوانند.

چندین و چند جوانمرد جنگاور در این سرزمین مشهور می‌باشند: مثل «قاچاق صمد بیگ»، «مهدی آقا»، «امین آقا»، «هالای بیگ» و ... در این سرزمین چندین و چند استاد موسیقی به شهرت رسیده‌اند نظیر: «قول الله قلی»، «آلخاس آقا»، «گولللر پریسی»، «محقر»، «نوروز»،

«خیندی محمد»، «نبی»، «حسن مجروح»، «عباسقلی ائله باagli»، «دده امراء»، «حسین ساراجلی»، «کاماندار نورالدین قاسملو». در این سرزمین که خمیرش از غیرت، خمیرمايه‌اش از ساز می‌باشد، مادران غیور ما فرزندانی به دنیا آورده‌اند که قد و قواره آنها در حد «ساز» بود و اکنون در حال رشد و بالندگی می‌باشند. هم‌وطنان ما با یاد خداوند و با توصل به غیرت و شجاعت و به مدد ساز به روشنایی و امنیت دست خواهند یافت انشاء الله...»

روزگار هر چقدر هم اسبش را چهار نعل بتازاند، گذشته‌ها هرگز فراموش نخواهند شد، و حافظه ضعیف نخواهند شد. درد بورچالوی پاره پاره شده نیز خاطره دردنگ و جانکاه ما می‌باشد.

ما بایستی این فرمایش خداوندی را که توسط رسولش حضرت محمد(ص) در قرآن کریم جهت هدایت ما نازل شده آویزه گوشمان کنیم که فرمود:

«هر کس یک وجب از خاک را مورد ظلم و ستم قرار دهد، هفت لایه از زمین به دور گردن او پیچیده خواهد شد».

ضمیمه:

با گذشت زمان و با توجه به منافع سیاسی، اجتماعی، صنفی، و ملی، بعضی از اسمای و عناوین تاریخی - جغرافیایی نیز دستخوش تغییراتی گردیده‌اند، از این‌رو در جهت روشن نمودن اذهان خوانندگان گرامی و تنویر افکار عمومی، اسمای قدیمی و فعلی آن مناطق را ذکر می‌نماییم:

نام فعلی (پس از تعزیه بورچالو)	نام قبلی
حدوداً «مارنیلی» گرجستان، بولنیسی، دمانیسی، تتریس کارو، زالقا، نویمبربان ارمنستان، اراضی مربوط به پنهانی نویمبریان، تومانیان، استپاناوان، تالیش	منطقه بورچالی یا بورچالو ناحیه «لورو» از توابع بورچالو
گنجه	ایلیزاوت پول
بولنیسی (در سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۳ تحت عنوان لوکسمبورگ)	ایکاترینن فلد
دمانیسی	باش کچید
تتریس کارو	آغ بولاق
مارنیلی	ساروان
قاردادابانی	قارابازی
کثومو - بولنیسی	بولنیس - کپنکچی
به پنج روستا تقسیم شده: عزیز کندی، آل گنت، صابر کندی، تازه کندی، حاجی عیسی	گور آرخی
شاومیان	شولهور بزرگ
شولهور	شولهور کوچک
کبرووکا	مامه بی
قووقوتی	ساعاتلی

تجزیه بورچالو ۱۲۷

تاشیر (تا این اوآخر تحت عنوان کالینیوبود)	ورونسووکا
استپاناوان	جلال اوغلو
کیروواکان	قاراکلیسا
کوم آبری (تا سال ۱۹۲۴ بنام الکساندروپل و تا این اوآخر تحت عنوان لین آکان بود.	گومرو
سپیناک	حاماصلی
تومانیان	سناین
نویمبریان	شینیخ
قوقارک	کوبر
دزور آگت	کولاگیرن
اوڈزون	اوزانلار
باقراتاشن	لمبه لمی
پنقاوان	قوروچای
اوکتومبر	کورپولوی علیا
آختاناق	کورپولوی سفلی
جراراق	چراغلی
تالورایک (تا اوآخر بنام قیزیل سفق بود)	جوچه کندی
دزوراموت	اثولی
قوقاوان	دمپرچی لر
پاقاخ پیور	سویوق بولاق
نوراموت	قاراقالا
مقوا وویت	قارا عیسی
تالاب سوان	تالاب گویچه
رودخانه دزوراگت	رودخانه کمنک
کوه آچ کاسار	کوه ابری قار
سلسله بازوم	کوه بوژآبدال

منابع:

- در تدوین و تالیف این کتاب از منابع و مأخذ زیر بهره گرفته شده است:
- آرشیو تاریخی دولت مرکزی گرجستان
 - آرشیو تاریخ نوین گرجستان (تا چندی قبل تحت عنوان آرشیو انقلاب اکبر جمهوری سوسیالیستی گرجستان بود)
 - آرشیو خزانه استناد و بخش مرکزی انتیتو مارکسیم - لینینس
 - مطبوعات سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۱ شامل: روزنامه های گرجستان نظیر «ارتوبა» با اتحاد، «ساکارت ولو» یا گرجستان، «ساکارت ولوس رسپویلیکا» یا جمهوری گرجستان، ساخالخو ساکمه» یا کار خلق.
 - روزنامه آذربایجان نظیر: «یعنی دوپیا».
 - روزنامه های روسی نظیر: «ایوریا»، «قروزی یا»
 - کتاب تاریخ مناسبات ارمنی ها- گرجی ها (مناقشات مرزی ، مذاکرات، جنگ، صلح) چاپ سال ۱۹۱۸ به زبان روسی - این کتاب در سال ۱۹۱۹ از سوی انتشارات دولت تفلیس چاپ و منتشر گردیده است.
 - مقاله «سیمون کیلاძه» تحت عنوان «نتایج یک جنگ» و یا در دسامبر ۱۹۱۸ چه اتفاقی روی داد؟ که در روزنامه «آخال قازردا ایوری اتلی» (ایوری آلی جوان، جوان تازه گرجستانی و تا این اوخر بنام «آخال قازردا کمونیستی» منتشر می شد. شماره های ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸ به زبان گرجی چاپ و منتشر می شد.
 - سایر کتب و مقالات، خاطره ها و بسیاری منابع دیگر.

والسلام

تجزية بورچالو ۱۲۹

پیوست‌ها

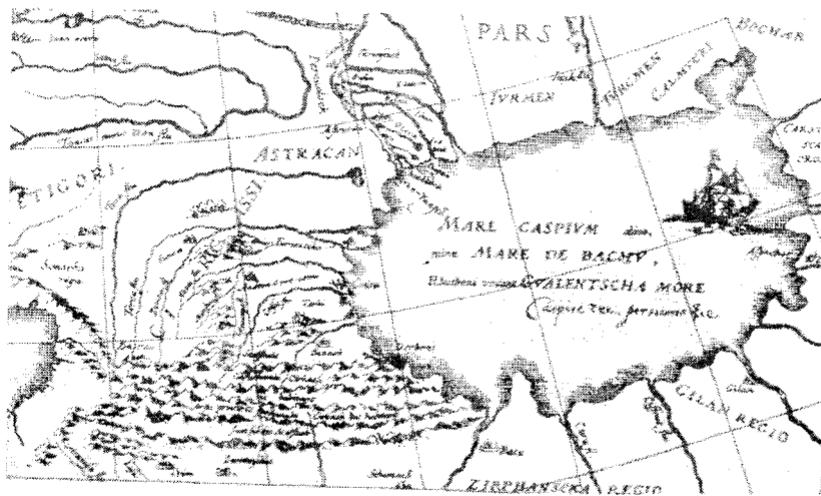
۱۳. تجزیه بورچالو



گوشه هایی از جنایات ارمنی در بورچالو



تجزیه بورچالو ۱۳۱

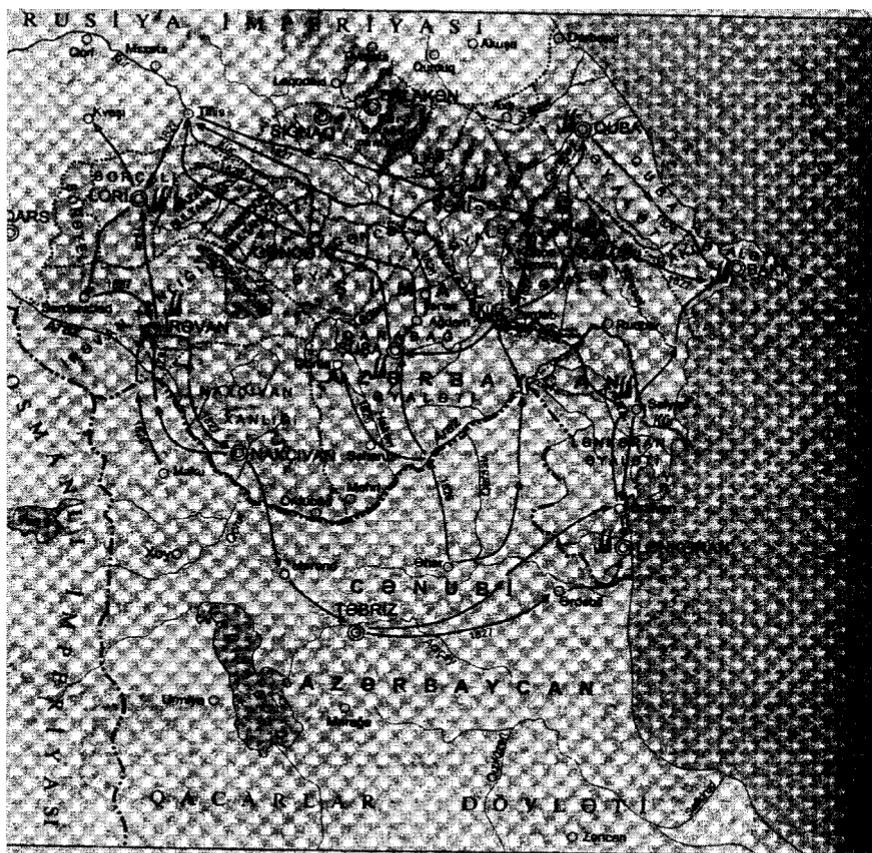


ترسیم شده توسط فیودور گودونوف در سال ۱۹۱۲ میلادی



موقعیت منطقه بورچالو در نقشه سیاسی جمهوری سوسیالیستی آذربایجان.

ترسیم شده توسط ابوعبدالله محمد ادریسی در سال ۱۱۵۴ هق



موقعیت منطقه بورچالو در نقشه (فعلی) سیاسی جمهوری آذربایجان.

تجزیه بورچالو ۱۳۳

Simvolik Borçalı qəzasının müasir əhalı xəritə-sxemı (1990-ci il)



Bölgelerde əhalinin və məntəqələrin
məskunlaşması: (XII-XV əsrlərin
materialları əsasında tərtib edilmişdir)



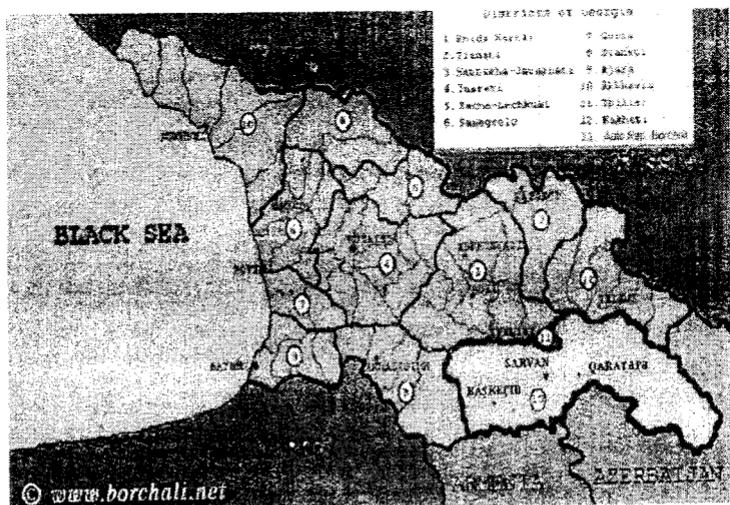
نقشه مربوط به سکونت اهالی در مناطق (بین سده‌های ۱۲ تا ۱۵ میلادی)

١٣٤ تجزیه بورچالو

Borçalı qazasının inzibati nümayəndəlikləri üzrə əhalı xəritə-sxemi
(XVIII əsrin materiaları əsasında tərtib edilmişdir)



نقشه مناطق مختلف سرزمین بورچالو (در قرن ۱۸ میلادی)



نقشه سرزمین فعلی منطقه بورچالو

بیوگرافی مؤلف:



شورالدین ممدلی در سال ۱۹۵۶ در روستای «کولانگیر» یا «کولاینر» از توابع بخش بولنیسی گرجستان متولد شد. وی هم اکنون عضو رسمی آکادمی ملی گرجستان، مدیر چاپ بخش ادبیات و هنرهای زیبای روزنامه «گرجستان» و دارای دکترای علم زبانشناسی می‌باشد. مقالات متعدد او در زمینه مسائل ادبی، مدنی و تاریخی که مورد علاقه دو کشور آذربایجان - گرجستان می‌باشد، همچنین اشعار و آثار ادبی و ترجمه شده وی از زبان گرجی و مقاله‌های سیاسی روز او گهگاهی در مطبوعات گرجستان و آذربایجان و نیز در روزنامه‌های ادبی و مجلات درج می‌شود. ایشان هم اکنون عضو شورای نویسنده‌گان نشریه «قاراپاپاقلار» می‌باشد. وی همچنین مؤلف ۱۵ عنوان کتاب در زمینه علم زبانشناسی و تاریخ می‌باشد.

یارنشر در موضوع تاریخ آذربایجان منتشر کرده است:

۱- میرزا نورالله خان یکانی/تألیف: پرویز یکانی زارع- ۱۳۸۳

۲- عؤموردن اؤتن ايللر(بالاش آذراوغلونون خاطره‌لرى)/عادل

شاهوئردى- ۱۳۸۳

۳- فرهنگ عامه ايل قره‌پاباق/تألیف: مرحوم یوسف قهرمانپور- ۱۳۸۵

۴- راز گل نسترن(رمان تاریخی از فجایع جیلولوق)/نوشتة: حوریه رحیمی

قولنجی- ۱۳۸۵

۵- مويه‌های شهر غريب(گزارش مستند از فجایع جیلولوق)/نوشتة:

مرحوم غلامخان حشمت- ۱۳۸۷

۶- تاریخچه دارالنشاط اورمیه/تألیف: توحید ملکزاده دیلمقانی- ۱۳۸۸

۷- کاظمخان قوشچو/تألیف: محبوب داداشپور- ۱۳۸۸

۸- تجزیه بورچالو/تألیف: شورالدین ممدلی، ترجمه: اسفندیار سپهری‌نیا-

۱۳۸۸